



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق
گروه دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

تأثیر تغییرات اقلیمی بر حق بر آینده سبز

نگارش
محمد مهدی وزیری

استاد راهنما
دکتر جنت بلیک
استاد مشاور
دکتر باقر انصاری

۱۳۹۷

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از این پایان نامه برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

تقدیم به مادرم که بذره‌های امیدواری می‌کارد، تا من درو کنم.

و تقدیم به عبدالحسین وهاب‌زاده، مؤسس مدارس طبیعت که دغدغه طبیعت و نسل‌های آینده را دارد.

با مهر

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (٢٠٤) وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (٢٠٥)»

۲. «زیرامن که یهوه، خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می‌گیرم. و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می‌کنم.» ۲.

۱قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیات ۲۰۴ و ۲۰۵.

به پاس شیرینی دقایقی که خود را غرق تعمق در مفاهیم بشریت، عدالت و انصاف و رابطه آن با کودکان و نسل‌های آینده می‌یافتم، از اساتید گروه حقوق محیط‌زیست، خصوصاً خانم دکتر بلیک و آقای دکتر انصاری که زحمت راهنمایی و مشاوره این اثر را بر عهده داشتند، تشکر نموده و خود را مدیون آنان می‌دانم.

همچنین از آقای دکتر محسن عبدالهی، که داوری این اثر را بر عهده گرفتند، بواسطه نقدهایی که چراغ راه پژوهش‌های آتی من است تقدیر و تشکر می‌نمایم.

محمد مهدی وزیری

۱۳۹۷

نام خانوادگی دانشجو: وزیری

نام: محمد مهدی

عنوان: تاثیر تغییرات اقلیمی بر حق بر آینده سبز

استاد راهنما: دکتر جنت بلیک

استاد مشاور: دکتر باقر انصاری

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: دانشکده حقوق گرایش: حقوق محیط زیست

دانشگاه: شهید بهشتی

حقوق

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۷

تعداد صفحات: ۶۰

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، آینده سبز، حقوق کودک، حقوق نسل های آینده

چکیده

نسل های گذشته و حاضر با دامن زدن به تغییرات اقلیمی، نظم و الگوی دما و بارش را در سطح کره زمین تغییر داده اند، به نحوی که پایداری و ثبات اقلیم دچار اختلال شده است. بازگشت اقلیم به وضعیت ثبات چیزی حدود ده هزار سال زمان نیاز خواهد داشت و این به معنای وجود چالش در رابطه بین نسل های حاضر و آینده است. در این میان، باید پرسید که تغییرات اقلیمی چه تاثیری بر ذینفعان حق بر آینده سبز می گذارد. همچنین تعهد نسل های حاضر در برابر حق بر آینده سبز در ساختار حقوق بین الملل محیط زیست چیست؟ تغییر دما و بارش، با ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع، کودکان را از نیازهای اساسی، حقوق خاص، حقوق مشارکتی و زندگی در جامعه ای پایدار که حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی آنها تضمین شده باشد، محروم می نماید. کودکان و نسل های آینده، شهروندان آینده زمین هستند که حق آنها بر دریافت زمین به مثابه میراث مشترک بشریت در کمال صحت از نسل های حاضر، در حال نقض است. تغییرات اقلیمی با محدود نمودن منابع و تخریب آنها، آزادی انتخاب کودکان و نسل های آینده را تحدید می نماید.

جامعه بین المللی، در این حوزه با تاکید بر خیر مشترک، عدالت و جامعه ارزش های بنیادین بین المللی و با تکیه بر اصول همکاری، مسئولیت مشترک اما متفاوت و... توانسته گام های در مقابله با تغییرات اقلیمی در قالب کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی کنوانسیون تنوع زیستی و دیگر اسناد بردارد. اما الزام آور نبودن این تعهدات در کنار رقابت اقتصادی دولت ها و اصل حاکمیت دولت ها در ساختارهای قدیمی حقوق بین الملل از نتیجه بخش بودن این اقدامات کاسته، به نحوی که انتشار

گازهای گلخانه‌ای روند افزایشی داشته و اجماع بین‌المللی در این حوزه با موفقیت کامل روبه‌رو نبوده است و آینده‌ای سبز را نوید نمی‌دهد. در فرایند نگارش سعی گردیده با رویکرد آینده‌نگرانه به موضوع نگریسته شود و از رهیافت ایده‌آلیستی در تبیین آرمان‌های جامعه بین‌المللی و نقش آنها در تنظیم رابطه نسل حاضر با نسل‌های آینده استفاده شده است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	فصل اول: زمینه ها و مفاهیم
۷	گفتار اول: آغاز تغییرات؛ دورانسان
۱۱	گفتار دوم: تغییرات اقلیمی
۲۴	گفتار سوم: حق بر آینده سبز
۳۱	فصل دوم: تاثیر تغییرات اقلیمی بر ذی نفعان حق بر آینده سبز
۳۳	فصل سوم: آرمان های بین المللی، سازکارها و تعهدات حمایت از حق بر آینده سبز
۳۵	نتیجه گیری
۴۱	فهرست منابع
۴۱	منابع فارسی
۴۵	منابع انگلیسی
۵۴	منابع الکترونیک

فهرست تکمیلی مطالب

۱	مقدمه
۷	فصل اول: زمینه ها و مفاهیم
۷	مدخل
۷	گفتار اول: آغاز تغییرات؛ دورانسان
۹	بند اول: مرحله اول (۱۹۴۵ - ۱۸۰۰/۵۰)
۹	بند دوم: مرحله دوم (۱۹۴۵ - ۲۰۱۵)
۱۰	بند سوم: مرحله سوم (تا... - ۲۰۱۵)
۱۱	گفتار دوم: تغییرات اقلیمی
۱۲	بند اول: تعریف
۱۳	اول: تغییرات اقلیمی یا آب و هوایی
۱۳	دوم: تغییرات اقلیمی و علل آن
۱۵	بند دوم: تاثیرات تغییرات اقلیمی بر نظام اقلیم
۱۸	بند سوم: تاثیرات تغییرات اقلیمی بر جوامع انسانی
۲۴	گفتار سوم: حق بر آینده سبز
۲۴	بند اول: آینده سبز
۲۵	بند دوم: کودک
۲۶	بند سوم: نسل های آینده
۲۷	اول: تعریف نسل های آینده
۲۷	دوم: تقسیم بندی نسل ها
۲۹	* نتیجه گیری

۳۱ فصل دوم: تاثیر تغییرات اقلیمی بر ذی‌نفعان حق بر آینده سبز

۳۳ فصل سوم: آرمان‌های بین‌المللی، سازکارها و تعهدات حمایت از حق بر آینده سبز

۳۵ نتیجه‌گیری

۴۱ فهرست منابع

۴۱ منابع فارسی

۴۵ منابع انگلیسی

۵۴ منابع الکترونیک

مقدمه

۱. پیش درآمد تحلیلی

طبیعت طی هزاران سال گذشته در روند تکامل و شکوفایی قرار داشته است. این محیط زیست با ایجاد نظم و قواعدی دقیق برای زندگی هرگونه، به شیوه‌ای بسیار خارق‌العاده توانسته مرزها و حریم زیستی هر گونه را با توجه به نیازهای او تنظیم نماید. هوشمندی طبیعت در ایجاد ساختارهای ژنی است که بواسطه آن هیچ گونه‌ای خارج از حریم نیازهایش اقدام نمی‌کند، پس فرصت برای شکوفایی باقی می‌ماند و حیات همراه با تنوع زیستی فراهم می‌شود.

طبیعت، برای انسان به عنوان یکی از فرزندان قواعدهای حداقلی تعریف نموده که پاسدار زیست او در زمین است. البته طبیعت با در اختیار قرار دادن هوشمندی در انسان به او قدرت اختیار نیز داده است. صورت این اختیار در تنظیم قواعد زندگی در حقوق جلوه‌گر می‌شود. حقوق محیط زیست، قواعد و راهکارهایی است که با تحدید آزادی انسان، آرمان عدالت زیستی را به مثابه قاعده و قانون زندگی تعیین می‌نماید.

وظیفه متصدی حقوق، تبیین رابطه میان دو طرف یک قضیه و استخراج حکم، با توسل بر آرمان، اصل و قاعده حقوقی است. گاهی رابطه پیرامون انسان با انسان دیگر است. همچنین گاهی چنین رابطه‌ای میان انسان و محیط پیرامون او شکل می‌گیرد. و البته ممکن است این رابطه، میان وجود و عدم رخ دهد.

ساختار حقوق بین الملل مبتنی بر نظام آنارشی و عدم وجود حاکمیت و قدرت واحد سیاسی است. دولت، همزمان که بزرگترین تابع حقوق بین الملل است، خود متبوع این نظام بوده و با قواعدی که خود تعیین می‌کند، متعهد می‌شود. در این نظام، اصولاً قاعده در پی پاسخ و احقاق نظم از میان رفته گذشته است. یعنی ابتدا چالش و مسئله بین المللی میان تابعان رخ می‌دهد سپس در پاسخ به این چالش‌ها نظام حقوقی به وضع قواعد جدید می‌پردازد.

زمان در روند شکل‌گیری و پیدایش طبیعت و محیط زیست از الگویی برابر با زندگی انسان بهره نمی‌برد. در روند پیدایش یک گونه، چرخه‌های بیشمار طی قرن‌ها بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند تا آن گونه در قالب امروزین خویش متجلی شود. بنابراین ایجاد تغییرات در طبیعت و محیط زیست را نمی‌توان در بازه‌های زمانی کوتاه مدت و تک بعدی نگریست.

رابطه انسان با طبیعت در کلیت آن در گذشته، بواسطه قدرت و تفوق طبیعت، قهری و یک‌جانبه

بود. امروزه این رابطه، پس از رشد روزافزون جمعیت، پزشکی و فناوری، که عمدتاً پس از انقلاب صنعتی رخ داد، به نحوی تغییر کرده که دیگر شناخت زمین بدون در نظر گرفتن آثار و رد پای انسان غیرممکن است. دامنه آثار انسان بر پیکره سیاره حیات چنان گسترده است که زمین‌شناسان این عصر را دور انسان نامیده‌اند.

خلاف دور زمین‌شناختی هالوسن که با ویژگی ثبات در شرایط طبیعی و محیط‌زیست شناسایی شده است، ویژگی عمده دور انسان، تغییر، عدم اطمینان و بی‌ثباتی در رفتار زمین است. این امر به معنای تغییرات گسترده در چرخه‌های زیستی و به تبع آن در روابط اجتماعی و ساختارهایی است که مبتنی بر ثبات دور هالوسن شکل گرفته‌اند.^۳

«با به خطر افتادن محیط زیست انسان اساسی‌ترین حق انسان یعنی حق حیات وی به خطر می‌افتد. به همین خاطر هر دولتی باید حیات اجتماعی را چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی حیات باشد. از این رو مسئولیت در قبال نسل آینده در وهله اول متوجه دولت است و آن را ملزم می‌دارد تا با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین‌المللی این مسئولیت را به انجام رساند.»^۴

از جمله تغییراتی که در دور انسان رخ داده، تغییرات اقلیمی است که دامنه آثار آن تا سال‌های متمادی ادامه خواهد داشت. چنین پدیده‌ای مسئله و چالش حقوق آیندگان را پدید می‌آورد. به این معنا که با تخریب ساختارهای پایه‌ای که زندگی و تمدن بر پایه آن شکل گرفته برای سال‌های متمادی، نه تنها حقوق نسل حاضر، که زندگی، منافع و حقوق نسل‌های آینده را بشدت متاثر ساخته و دگرگون می‌نماید. بنابر چنین دگرگونی در رابطه انسان و طبیعت با آینده، ضرورت ایجاد «قاعده» حقوقی در پاسخ به «مورد» (چالش) برای متصدی حقوق تبیین می‌گردد.

«هیچ‌گاه نمی‌توان نظام حقوقی حاکم را فارغ از حقوق دوران گذشته درک کرد، و حقوق آینده را بدون تسلط بر منابع موجود و پیش‌بینی نتایج آتی بسط داد، زیرا قاعده حقوقی باید هم بر گذشته حکومت کند و هم زمان حاضر را به نظم درآورد و هم برای آینده تمهیداتی ببیند.»^۵

حق بر آینده سبز، در پی بررسی و تبیین حقوقی است که در پاسخ به چالش‌های ایجاد شده توسط تغییرات اقلیمی در آینده بوده و تعهدات بین‌نسلی برای نسل حاضر به عنوان نسل مسئول ایجاد می‌نماید. در این میان باید پرسید که سازکارها و نهادهای بین‌المللی که با هدف مقابله با تغییرات اقلیمی شکل گرفته‌اند، در اتخاذ رویکردهای خود تا چه اندازه به کیفیت زندگی شهروندان آینده کره زمین توجه نموده‌اند؟ آیا قواعدی وجود دارد که در عین توجه به نیازهای نسل حاضر، تمهیداتی برای نسل‌های آینده اندیشیده باشد؟ اگر وجود دارد، این قواعد از چه اصولی برمی‌خیزند و چگونه نسل حاضر را متعهد می‌نمایند؟

^۳Vidas, Davor, «The Earth in the Anthropocene – and the World in the Holocene?», ESIL Reflections, Vol. 4, No. 6, August 2015, P. 2.

^۴Gündling, Lothar, «Our Responsibility to Future Generations», The American Journal of International Law, Vol. 84, No. 1, 1990, P. 202.

^۵فلسفی، هدایت‌الله، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص. ۳۰.

اثبات تعهد بین‌المللی دولت در حفظ و حمایت از محیط‌زیست، از دو دریچه قابل توجه است. یکی حق بر محیط‌زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، که در این صورت مسئولیت بین‌المللی دولت در نقض حقوق انسانی اتباع خود مطرح می‌گردد؛ دیگری از دریچه محیط‌زیست، به عنوان میراث مشترک بشریت.^۶

به لحاظ روشی نگارنده این اثر را زیر مجموعه حقوق محیط‌زیست دانسته و تبیین و نقض حق بر آینده سبز را نیز در قالب حفاظت از حقوق محیط‌زیست به عنوان امانت مشترک بشریت مورد توجه قرار داده است. البته تردیدی نیست که حقوق محیط‌زیست مبتنی بر علایق و منافع مشترک بشریت در حقوق شناخته شده برای افراد و نظریه حقوق بشر است، لذا تضادی میان این دو در طرح و بررسی مسئله وجود ندارد. چرا که رعایت جهانی حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد، جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت است.^۷

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت این تحقیق از چند بعد قابل توجه و بررسی می‌باشد.

تغییرات قلب تپنده آینده هستند. به لحاظ ساختاری ظهور دور انسان و ورود کره زمین به دور ناپایداری و تغییر، ضرورت تحول ساخت‌ها و مبناهایی که در دور پایداری و در پاسخ به ضرورت‌های آن دور ایجاد شده‌اند را، ایجاد نموده و تبیین اصول و مفاهیم جدید برای پاسخ به شرایط جدید را واجب نموده‌اند.

از نظر رویکردی، حقوق‌دانان بین‌المللی باید با توجه به آثار بلندمدت تغییرات اقلیمی، رویکردهای آینده‌نگرانه داشته و با پیش‌بینی شرایط و آثار اقدامات امروزی در آینده، گام بردارد. رویکرد آینده‌پژوهی با ارائه مدل‌های مختلف، و با محور قرار دادن درک ما از واقعیت‌های آینده، ضرورت شکل‌گیری مفاهیم جدید در این عرصه را مد نظر قرار می‌دهد. بدیهی است اتخاذ چنین رویکردی نیازمند شناخت چالش‌های پیش‌روی جوامع است.

با مذاقه در روند متحولانه تغییرات اقلیمی و در ابعاد جامع‌تر، دور انسان در حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن، و انتقادات وارده به جامعه جهانی به جهت ناتوانی در ایجاد همبستگی برای مقابله با آثار فزاینده تغییرات اقلیمی و مهار انتشار گازهای گلخانه‌ای، ضرورت توجه به حق بر آینده سبز برای کودکان و نسل‌های آینده تبیین می‌شود.

۳. پرسش‌های تحقیق

(آ) پرسش‌های اصلی

رابطه نسل حاضر با نسل‌های آینده در دور انسان چگونه خواهد بود؟ این پرسش محوری‌ترین پرسش متن حاضر خواهد بود. اما نیل بدین پرسش با پیش‌فرض‌های همراه است که ضرورت

^۶ افشاری، مریم، «تأثیرات تغییرات آب و هوایی بر صلح و امنیت انسانی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۰.

^۷ امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳-۱۳۷۴، ص. ۳۴۴.

دارد مورد بررسی قرار بگیرد. بنا بر گزارش‌های علمی، دامنه آثار تغییرات اقلیمی به قدری گسترده است که ذهن نسل حاضر را در مورد زندگی فرزندان و نسل‌های آینده درگیر می‌نماید. در این زمانه که تحت عنوان دوران‌انسان مورد شناسایی واقع شده باید توجه داشت که ویژگی عمده طبیعت دیگر ثبات نبوده و نمی‌توان مبتنی بر آن حرکت نمود. اگر ویژگی زمانه و دور انسان تغییر در معنای منفی آن باشد باید پرسید که آنها در چه شرایطی زندگی خواهند نمود و رابطه نسل حاضر با آنها چیست؟

متن حاضر به صورت خاص به تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های دوران‌انسان پرداخته و در پی بررسی آثار این تغییرات بر حق بر آینده سبز می‌باشد. همچنین در پی بررسی وضعیت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پاسخ به چالش‌های تغییرات اقلیمی بوده و سازکارها و آرمان‌های حمایت از حق بر آینده سبز در برابر این تغییرات را مورد بررسی قرار خواهد داد.

(ب) پرسش‌های فرعی

اگر در پرسش اصلی متن حاضر دقیق شویم به سوالات متعددی خواهیم رسید که تحت عنوان پرسش‌های فرعی باید به آنها پاسخ دهیم. این پرسش‌ها حول محور دو مفهوم تغییرات اقلیمی و حق بر آینده سبز شکل می‌گیرند و در پی معنا و تعریف آن هستند. جایگاه این تغییرات در نظام هستی با توجه به ویژگی‌های آن چیست؟ ذینفعان حق بر آینده سبز چه گروهی هستند؟ و تغییرات اقلیمی چگونه بر حقوق آنها تاثیر می‌گذارد؟

همچنین پاسخ‌های نظام حقوق بین‌المللی محیط‌زیست به تغییرات اقلیمی و آثار آن بر حق بر آینده سبز مورد پرسش می‌باشد. اصول حقوق تغییرات اقلیمی چیست؟ و چه آرمان‌هایی برای حمایت از حق بر آینده سبز در برابر تغییرات اقلیمی در این نظام تعریف شده است؟

۴. فرضیات تحقیق

(آ) فرضیه اصلی

پس از تفوق انسان بر طبیعت در دوران‌انسان نظم و تعادل پیشین طبیعت تغییر کرده و وارد عرصه جدیدی شده است. حقوق تغییرات اقلیمی در همگام‌سازی رابطه اجتماعی با نظم جدید طبیعت، علی‌رغم تعریف مفاهیم و اصول گسترده در این حوزه ناتوان بوده و نتوانسته شدت آثار تغییرات اقلیمی را تقلیل دهد، به نحوی که روند گرمایش جهانی حکایت از آثار بلندمدت گرمایش جهانی و تاثیرپذیری آیندگان از عملکرد نسل‌های پیشین دارد.

(ب) فرضیه رقیب

حقوق تغییرات اقلیمی با ایجاد اجماع بین‌المللی در خصوص گرمایش جهانی کشورها را در دو طیف توسعه یافته و در حال توسعه به یکدیگر نزدیک نموده و با اسناد، تصمیمات و راهبردهای مختلف گازهای گلخانه‌ای را تا حد زیادی کاهش داده است. همچنین با توجه به اصول توسعه پایدار و عدالت و انصاف بین‌نسلی حیات اجتماعی کنونی را در آینده تامین نموده است.

۵. پیشینه تحقیق

اصطلاح دورانسان از جمله اصطلاحات جدید در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد، که در ایران بسیار محدود مورد استفاده بوده است. اشاره به دورانسان و رابطه مبنایی آن برای حق بر آینده سبز از جمله موارد جدید در پژوهش‌های فارسی می‌باشد.

در میان تحقیقات حقوق داخلی، اگرچه بحث تغییرات اقلیمی و آثار آن در منابع مختلفی مورد اشاره و بحث قرار گرفته است، اما تاکنون تاثیر آن بر آینده و حق بر آینده سبز مورد اشاره واقع نشده است. این تحقیقات عمدتاً به تاثیر تغییرات اقلیمی بر صلح و امنیت پرداخته‌اند.

بررسی تاثیر تغییرات اقلیمی بر حقوق کودکان و بر نسل‌های آینده از جمله مطالعات جدید در این حوزه بوده که تاکنون مورد بررسی واقع نشده است. همچنین در خصوص رابطه زمانی که تغییرات اقلیمی میان نسل حاضر و نسل‌های آینده ایجاد می‌کند و آرمان‌هایی که از حق بر آینده سبز حمایت می‌کند، که شامل میراث مشترک بشریت، خیر مشترک بشریت، نگرانی مشترک بشریت و عدالت و انصاف بین‌نسلی است، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. اگرچه که این مفاهیم به صورت جداگانه تبیین شده و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

همچنین از جمله نوآوری‌های این متن تبیین حقوق نسل‌های آینده در دستگاه عدالت جان رالز بوده است.

در پژوهش‌های خارجی، مقاله و اسناد مختلفی در خصوص تاثیر تغییرات اقلیمی بر حقوق کودکان وجود دارد که به اعتقاد نگارنده تمام زوایای حقوق کودک را مورد توجه قرار نداده‌اند. این متن مطالعات صورت گرفته در حوزه رابطه تغییرات اقلیمی با حقوق کودکان را به صورت جامع و یکجا گردآوری نموده است.

در تبیین حقوق نسل‌های آینده کتب و مقالات بسیاری وجود دارد که به نحو مقتضی از آنها بهره برده شده است، تحلیل این حقوق در دستگاه عدالت جان رالز، در پژوهش‌های بین‌المللی مشاهده نشده و از جمله نوآوری‌های متن می‌باشد.

۶. رویکرد و روش تحقیق

تفکر در مورد آینده در عصر تغییرات یک ضرورت است. بدون داشتن رویکرد آینده‌پژوهی به آینده می‌توان واکنش نشان داد، اما کنش نمی‌توان نشان داد. در متن حاضر سعی گردیده رویکرد آینده‌پژوهی حقوقی مورد توجه قرار گیرد و بدین وسیله با توجه به تغییرات اقلیمی اختلافات و مشکلات آینده تا حد ممکن بررسی و پاسخ‌های حقوقی موجود مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین در بخش‌هایی از بحث به سناریونویسی به عنوان یکی از شیوه‌های آینده‌پژوهی حقوقی (پیشگیری)، با تاکید بر داده‌های علمی روز پرداخته‌ایم.

گردآوری مطالب عمدتاً به صورت کتابخانه‌ای و در فضای مجازی با تکیه بر کتاب‌ها و مقالات روز است. همچنین در پژوهش و نوشته حاضر، مکانیسم‌ها و سازکارهای اجرایی در کنوانسیون‌ها مورد توجه قرار گرفته و اشاره شده است. روش اعمال شده در این نوشتار، روشی توصیفی-تحلیلی

است که طی آن ضمن تبیین علی روابط و نسبت بین پدیده‌ها، با اتخاذ رهیافت ایده‌آلیستی، به تاکید بر اصول و ارزش‌های جامعه بین‌المللی و جایگاه تعیین کننده آنها در نظم و نسق‌دهی به دیدگاه‌های عاملان روابط بین‌الملل در حوزه حقوق تغییرات اقلیمی پرداخته شده است.

نگارنده در نگارش متن پایان‌نامه سعی نموده است که به جهت نهادینه ساختن اصول و مفاهیم علمی و حقوقی در نظام حقوقی کشورمان، تا حد ممکن از استفاده از اصطلاحات و واژگان غیرفارسی پرهیز و از برابری مناسب فارسی بهره ببرد. از جمله می‌توان به استفاده از برابر بوم‌سازگان به جای اکوسیستم اشاره نمود.

۷. سازماندهی مطالب

در فصل اول، به بیان زمینه‌ها و چالش‌های بوجود آمده پرداخته و مفاهیم پایه در این حوزه تعریف و تبیین می‌شود. در این فصل، ابتدا به آغاز تغییرات می‌پردازیم و دورانسان را تعریف می‌نماییم. سپس به تعریف تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از برجسته‌ترین تغییرات دورانسان پرداخته و آثار آن بر نظام اقلیم و جوامع انسانی بررسی می‌گردد. و در پایان، حق بر آینده سبز و ذینفعان آن معرفی می‌گردند. در این فصل، جهت‌دهی و تثبیت علمی چالش صورت می‌پذیرد، به نحوی که مبنا مباحث بعدی در دو فصل بعدی باشد.

در فصل دوم، حق بر آینده سبز به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل جنبه‌ها و حقوق مختلف کودک با توجه به کنوانسیون حقوق کودک به عنوان سند مرجع و مادر، و دیگر اسناد موجود مورد بررسی قرار گرفته و سعی گردیده با توجه به آثار تغییرات اقلیمی در بازه زمان، تکالیف دولت‌ها در برابر کودکان مشخص گردد. همچنین حقوق نسل‌های آینده مورد بررسی قرار گرفته است. جایگاه نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و رابطه آنها با تغییرات اقلیمی معین گشته است.

در فصل سوم، به سازکارهای بین‌المللی مقابله با تغییرات اقلیمی پرداخته‌ایم. این سازکارها همچون هیات بین‌دولتی تغییرات اقلیمی، کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی و... که در جهت حمایت از مشترکات بین‌المللی (اقلیم) شکل گرفته‌اند و ناظم رابطه اجتماعی با طبیعت هستند، می‌پردازیم و در مبحث بعدی با توجه به آرمان‌های حمایت از حق بر آینده سبز، مبانی و اصول حاکم بر نهادها را مورد توجه قرار می‌دهیم.

فصل اول: زمینه ها و مفاهیم

مدخل

در این فصل، که در سه گفتار تنظیم گردیده، سعی شده است، مفاهیم پایه و زمینه‌های تاثیرگذاری و تاثیرپذیری انسان و محیط‌زیست، معرفی و بیان شود. در ابتدا به طرح مسئله از نگاه زمین‌شناسان پرداخته و آغاز تغییرات گسترده در زمین و مبنای تغییرات اقلیمی مورد موشکافی قرار گرفته است. هدف از این گفتار، آشنایی با ویژگی‌های دور جدید زمین‌شناسی است، که به دورانسان^۸ معروف گردیده و با ویژگی عدم پایداری مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این گفتار به ما در فهم گسترده‌گی، زمینه‌ها و علل بروز تغییرات زیستی کمک می‌نماید. در گفتار بعدی به تشریح تغییرات اقلیمی، و آثار آن بر نظام اقلیم و جوامع انسانی پرداخته‌ایم. مسیرهای پیشگیری و انطباق با تغییرات اقلیمی، ضرورت شناخت علمی این تغییرات را توجیه می‌نماید. در بررسی آثار این تغییرات سعی گردیده از گزارش‌های هیات بین‌الدولی تغییرات اقلیمی به عنوان منبع اصلی استفاده شود. در گفتار پایانی فصل، حق بر آینده سبز به لحاظ مفهومی تشریح و تبیین شده است. این مفهوم، به طور ضمنی به حقوق کودکان و نسل‌های آینده در گستره زمان اشاره دارد. به همین جهت پس از تبیین حق بر آینده سبز، مفاهیم کودک و نسل‌های آینده به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر، تعریف گردیده است.

گفتار اول: آغاز تغییرات؛ دورانسان

تغییرات محیط‌زیستی اخیر در سطح جهانی بیانگر این نکته است که احتمالاً زمین وارد یک دور زمین‌شناختی جدید، زیر سلطه انسان گردیده است.^۹ زمین‌شناسان زمین را به دوران‌های مختلف تقسیم نموده‌اند. دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دوران سنوزوئیک^{۱۰} است. دوران سنوزوئیک به دو دوره ترشیاری^{۱۱} و کواترنری^{۱۲} تقسیم می‌شود. هرکدام از این دوره‌ها خود به تقسیمات ریزتری به نام دور تقسیم شده‌اند. در دوره کواترنری اوضاع بیولوژیکی و جغرافیایی زمین کاملاً شبیه به وضع امروزی خود

^۸Anthropocene

^۹پناهنده ثمرین، امیر، «بررسی رویکرد های حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی نسبت به حفاظت از تنوع زیستی به عنوان میراث مشترک»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط‌زیست، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۱۳.

^{۱۰}Cenozoic.

^{۱۱}Tertiary

^{۱۲}Quaternary

گردیده است. طی این دوره، پستانداران و پرندگان مخصوصی ظاهر و از بین رفته‌اند، که از جمله آنها می‌توان فیل ماموت، کرگدن پشم‌دار و نظایر آنها را نام برد. از جمله دیگر وقایع مهم این دوره ظهور انسان و تکامل آن است.

دوره کواترنری به دو دور پلیستوسن^{۱۳} و دور هولوسن^{۱۴} تقسیم می‌شود. دور پلیستوسن که قسمت اعظم دوره کواترنری را تشکیل داده است و خود به چهار عصر نخستین یخبندان، عصر بین یخبندان، عصر دومین یخبندان و عصر بعد از یخبندان تقسیم می‌شود. دور هولوسن از کلمه Holos به معنی کامل گرفته شده و از آغاز آن بیش از ۲۵۰۰۰ سال نمی‌گذرد و عصر فعلی نیز دنباله آن به حساب می‌آید.^{۱۵}

در اوایل دهه ۲۰۰۰ پائول کروتسن، دانشمند هلندی، ادعا نمود که به دلیل تاثیرات توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت انسان، زمین دور هولوسن را ترک گفته و وارد یک دور کاملاً جدید به نام دورانسان شده است. از سال ۲۰۰۹ این مفهوم مورد بررسی دقیق زمین شناختی قرار گرفت. طبق ادعای برخی نویسندگان، زمین در حال تجربه کردن یک جابجایی از دور هولوسن به یک وضعیت سیارهای نوین می‌باشد. دور هولوسن از نظر محیط‌زیستی به عنوان یک دور پایدار شناخته می‌شود. هولوسن به خودی خود، یک عامل کلیدی در گسترش تمدن بشری به حساب می‌آید. در حالی که دورانسان دربردارنده ناپایداری شرایط محیط‌زیستی می‌باشد.^{۱۶}

دانشمندان هنوز به طور رسمی این اصطلاح را به عنوان یک مقیاس زمانی در زمین شناسی ثبت نکرده‌اند. با این حال تاریخ‌های گوناگونی به عنوان تاریخ شروع این دور پیشنهاد شده است. تاریخی که توسط کروتسن و چند تن دیگر همواره پیشنهاد شده است، سال ۱۸۰۰ میلادی است که همزمان با هجوم فرایند صنعتی شدن بود. و یکی از ویژگیهای اصلی آن گسترش استفاده از سوختهای فسیلی بوده است. تغییرات در غلظت کربن دی اکسید در جو زمین یکی دیگر از استدلال‌های این گروه است.^{۱۷} در ژانویه ۲۰۱۵، ۲۶ عضو از ۳۸ عضو «کارگروه بین‌المللی دورانسان» با انتشار مقالهای ادعا کردند که آزمایش هسته‌ای ترینیتی^{۱۸} در جولای ۱۹۴۵ نقطه آغازین این دور جدید پیشنهادی است. در مارس ۲۰۱۵، در یک مقاله ادعا شد که یکی از دو تاریخ ۱۶۱۰ یا ۱۹۶۴ تاریخ آغاز دورانسان می‌باشد.^{۱۹} دیگر پژوهشگران معتقد هستند که شروع و تاثیر گذاری این دور در طول زمان پراکنده شده است و به یک نقطه زمانی محدود نمی‌شود.^{۲۰}

¹³Pleistocene

¹⁴Holocene

^{۱۵} دوران زمین شناسی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، در:

«www.daneshnameh.roshd.ir»

^{۱۶} پناهنده ثمرین، امیر، پیشین، ص. ۱۳.

¹⁷P. Crutzen, W. Steffen, «The Anthropocene: Are Humans Now Overwhelming the Great Forces of Nature?», *Ambio*, 2007, v.36, no. 8, P. 615.

^{۱۸} این انفجار، نوری سوزان و نوعی ابر قارچی شکل را تا ارتفاع ۱۲ کیلومتر در هوا ایجاد کرد که تصاویر آن برای آگاهی بشر در تاریخ ثبت شده است. گفته می‌شود که ذرات رادیواکتیو ناشی از آن انفجار از قطب‌های شمال و جنوب تا خط استوا کشیده شد و اثر آن تا ابد روی سطح زمین باقی می‌ماند.

¹⁹S. Lewis, M. Maslin, «Defining the Anthropocene», *Nature*, 2015, v. 519, PP. 171-180.

²⁰ M. Edgeworth, et al, «Diachronous Beginnings of the Anthropocene», *The Anthropocene Review*, 2015, v. 2(1), PP. 33-58.

دانشمندان دورانسان را به مراحل مختلفی تقسیم نموده‌اند.^{۲۱} برابر نظر پائول کروتسن این دور به سه مرحله تقسیم می‌شود، که در بندهای پیش رو تشریح می‌گردد.

بند اول: مرحله اول (۱۹۴۵ – ۱۸۰۰/۵۰)

یکی از سه یا چهار قدم مهم تغییر در تاریخ بشر، که به طور بالقوه از اهمیت مشابه در تاریخ زمین برخوردارند، شروع صنعتی شدن است. در مراحل روشنگری، گذار در دهه ۱۷۰۰ میلادی در انگلستان و کشورهای ضعیف به دلایلی که بر مورخان پوشیده است، آغاز شد. برخی بر عوامل مادی مانند کمبود چوب و قدرت فراوان آب و زغال سنگ در انگلستان تاکید می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به ساختارهای اجتماعی و سیاسی، که به ریسک پذیری و نوآوری پرداخته‌اند، این مسائل مربوط به رژیم‌های حقوقی، نظام بانکی نوظهور و فرهنگ بازار است. انتقال به صنعتی شدن با هر ریشه‌ای، سریعاً آغاز شد و تا سال ۱۸۵۰ انگلستان را صنعتی کرده بود و بسیاری از دیگر نقاط جهان نیز در حال صنعتی شدن بودند.

توسعه گسترده در استفاده از سوخت‌های فسیلی که ابتدا زغال سنگ بود و سپس نفت و گاز بدان افزوده شد، اهمیت صنعتی شدن را برای نظام زمین نشان می‌دهد. تا کنون، انسان به انرژی‌هایی که از جریان‌های جاری در قالب باد، آب، گیاهان و حیوانات گرفته شده است، وابسته بود و به ذخایر ۱۰۰ تا ۲۰۰ ساله درختان، تکیه می‌نمود. استفاده از سوخت‌های فسیلی، دسترسی به کربن ذخیره شده از میلیون‌ها سال فتوسنتزی را فراهم می‌کند که به مثابه اهدای یک یارانه انرژی فراگیر از گذشته عمیق به جامعه مدرن است. سامان زندگی مدرن ما وابسته و مبتنی به این یارانه است.

در حدود سال ۱۸۵۰، در ابتدای آغاز مرحله اول دورانسان، غلظت دی اکسید کربن در اتمسفر ۲۸۵ بخش بر میلیون^{۲۲} بود. در طول مرحله اول از ۱۸۰۰/۵۰ تا ۱۹۴۵، میزان دی اکسید کربن در حدود ۲۵ بخش بر میلیون افزایش یافت، افزایشی که بیشتر از توان و محدودیت‌های طبیعی در دور هولوسن بود و در نتیجه اولین شواهد مسلم که نشان می‌داد فعالیت‌های انسانی بر محیط‌زیست در مقیاس جهانی تاثیر می‌گذارد، ارائه شد. به همین دلیل ما شروع دورانسان را با آغاز عصر صنعتی، در ۱۸۰۰ – ۱۸۵۰ مصادف می‌دانیم.

بند دوم: مرحله دوم (۲۰۱۵ – ۱۹۴۵)

مرحله اول از دورانسان، زمانی که سریع‌ترین و فراگیرترین تغییر در رابطه انسان و محیط‌زیست آغاز شد، به طور ناگهانی در حدود ۱۹۴۵ به پایان رسید. در مرحله دوم تحت عنوان شتاب بزرگ (۱۹۴۵ – ۲۰۱۵) مشاهده می‌کنیم که نیروی انسانی پس از پایان جنگ جهانی دوم، به طور ناگهانی شتاب یافت. جمعیت در ۵۰ سال به دو برابر رسید و تا پایان قرن بیستم بیش از ۶ میلیارد بود، اقتصاد جهانی بیش از ۱۵

^{۲۱} برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Steffen, W., et al, «Stages of the Anthropocene: Assessing the Human Impact on the Earth System», American Geophysical Union, 2008.

^{۲۲}Part Per Milion.

برابر افزایش یافت. مصرف سوخت از سال ۱۹۶۰ به ۵.۳ برابر افزایش یافته و تعداد وسایل نقلیه موتوری به طور چشمگیری از حدود ۴۰ میلیون در پایان جنگ به حدود ۷۰۰ میلیون تا سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰، درصد جمعیت جهان در مناطق شهری از ۳۰ به ۵۰ درصد افزایش یافته و به شدت رشد می‌کنند. تعاملات فرهنگی با انفجار در ارتباطات الکترونیکی، مسافرت‌های بین‌المللی و جهانی شدن اقتصاد به سرعت در حال افزایش است.

فشار بر محیط‌زیست جهانی بواسطه نیروی انسانی بشدت تشدید می‌شود. در طول ۵۰ سال گذشته، انسان‌ها بوم‌سازگان‌های^{۲۳} جهان را سریع تر و گسترده تر از هر دوره قابل مقایسه دیگر در تاریخ بشر تغییر داده‌اند. زمین، با افزایش انقراض گونه‌های بوم‌سازگان زمینی و دریایی، در ششمین انقراض بزرگ خود است. غلظت جرم چندین گاز گلخانه‌ای به صورت قابل توجهی افزایش یافته و زمین به سرعت در حال گرم شدن است.^{۲۴}

بند سوم: مرحله سوم (تا... - ۲۰۱۵)

بشر برای بیش از هزاران و یا شاید میلیون‌ها سال، یک عامل تاثیر گذار مهم زمین شناسی باقی خواهد ماند. یکی از بزرگترین چالش‌های تحقیق و سیاست، توسعه یک استراتژی پذیرفته شده جهانی برای اطمینان از پایداری نظام پشتیبانی حیات زمین در برابر تنش‌های ناشی از انسان است. نشانه‌های فراوان نشان می‌دهد که زمینه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و حقوقی که پس از سال ۱۹۴۵ که به شدت افزایش یافته است، به گونه‌های تغییر کرده است که بتواند این تنش‌ها را مختل کند. جای تعجب نیست که برخی از افراد، بازتاب تأثیر بشر بر محیط‌زیست را قرن‌ها و حتی هزاران سال پیش ذکر کرده‌اند. با این حال، آغاز آن را به عنوان یک نگرانی عمده اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ با ظهور محیط‌زیست مدرن می‌دانیم. مشاهدات غیرقابل پیش بینی نشان داد که غلظت کربن دی اکسید CO₂ در جو بطور قابل توجهی افزایش می‌یابد. در دهه ۱۹۸۰ اندازه‌گیری‌های دما نشان داد که گرمایش جهانی یک واقعیت بود، این واقعیت که با توجه به پیامدهای آن، در ابتدا با مخالفت سیاسی مواجه شد، در عرض ۲۰ سال دیگر شک جدی بر واقعی بودن آن وجود نداشت.

در مسائل محیط‌زیستی متعدد، سیاست‌های محیط‌زیستی محلی، ملی و بین‌المللی طراحی شده و محیط‌زیست به طور منظم در محاسبات سیاسی و اقتصادی مورد توجه بوده، اگرچه عموماً اهمیتی کمتر از سیاست و اقتصاد داشته است. این فرایند نشانگر آغاز مرحله سوم دورانسان است که در آن شناخت، که فعالیتهای انسانی بواسطه آن ساختار و عملکرد نظام زمین را در کل (نه محلی و منطقه ای)، متاثر می‌کند، در سطوح مختلف تصمیم گیری فیلتر می‌شود.^{۲۵} تغییرات اقلیمی یکی از بزرگترین آثاری می‌باشد که در دورانسان با فعالیت‌های انسانی شتاب یافته و در سطح جهانی تغییرات بسیاری را بوجود می‌آورد.

²³Ecosystem.

هم‌زیستی و وابستگی جانوران و گیاهان و ترکیزه های یک ناحیه و رابطه آنها با عوامل شیمیایی و غیره.

²⁴P. Crutzen, W. Steffen, OPCIT, P. 616.

²⁵Ibid, P. 616-618.

گفتار دوم: تغییرات اقلیمی

نظام‌های طبیعی و انسانی که طی دوره‌ها و سده‌ها در پایداری شکل گرفته، با ورود به دورانسان که ویژگی آن عدم پایداری می‌باشد، تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند. در گزارش هیات تغییرات اقلیمی سازمان ملل،^{۲۶} اصطلاح آثار در درجه اول به منظور تأثیرگذاری رویدادهای شدید آب و هوا و شرایط آب‌وهوایی و اقلیمی بر نظام‌های طبیعی و انسانی، استفاده می‌شود.

تأثیرات عموماً به تأثیر تعاملات اقلیمی یا رویدادهای خطرناک در یک دوره زمانی خاص و آسیب‌پذیری یک جامعه یا نظام، که در معرض تأثیرات بر زندگی، معیشت، سلامت، بوم‌سازگان، اقتصاد، جوامع، فرهنگ‌ها، خدمات و زیرساخت‌ها است، می‌پردازند. اثرات تغییرات اقلیمی بر نظام‌های ژئوفیزیک، از جمله سیل، خشکسالی، و افزایش سطح دریا، زیرمجموعه تأثیراتی به نام اثرات فیزیکی است.^{۲۷}

نیازهای اولیه بشر مانند خوراک، آب، سلامتی و مسکن از اقلیم تأثیر می‌پذیرد. تغییرات اقلیمی امکان تهدید این نیازها را با افزایش دمای کره زمین، افزایش سطح آب‌ها، تغییر در میزان بارش و دیگر رویدادهای شدید آب‌وهوایی^{۲۸} انسان آورد در طبیعت ایجاد کرده است.^{۲۹}

توزیع اثرات^{۳۰} تغییرات اقلیمی بر افراد و گروه‌ها به صورت جداگانه و متفاوت است. گروه‌های خاص از افراد شامل سالخوردگان، ناتوانان، کودکان و زنان باردار، بومیان و گروه‌های قبیله‌ای و نهایتاً جمعیت کم درآمد جامعه می‌باشند. اگرچه تغییرات اقلیمی ذاتاً یک موضوع جهانی محسوب می‌شود، اقلیم‌های زمین را به یکسان مورد تأثیر قرار نمی‌دهد. این تأثیرات در شدت و اندازه در قاره‌ها، مناطق و کشورها با درجه توسعه مختلف، متفاوت می‌باشند.

بعضی از ملت‌ها تأثیرات کاملاً معکوسی به نسبت ملت‌های دیگر می‌گیرند، و ممکن است در اثر این تغییرات منتفع گردند. همچنین ظرفیت انطباق‌پذیری با تغییرات اقلیمی بر چگونگی تأثیری که بر افراد، جوامع، کشورها و جمعیت بین‌الملل می‌گذارد، موثر است.^{۳۱}

تغییراتی که در اقلیم امروزه ایجاد می‌کنیم، در صورت توقف تولید گازهای گلخانه‌ای چیزی حدود ده میلیون سال دیگر به حالت اولیه خودش باز می‌گردد. چرخه استفاده از منابع، گرم شدن کره زمین، تغییرات اقلیمی و انقراض گونه‌ها همزمان با آغاز دورانسان کلید خورد و امروزه به سرعت ادامه می‌یابد. همچنین توجه به بازه زمانی که تغییرات اقلیمی بر کره زمین اثر می‌گذارند، اهمیت بسیار زیادی دارد. یک مقایسه میان میانگین طول عمر انسان و گونه‌های زیستی، به ما نشان می‌دهد که ما امروزه قادر هستیم، بواسطه مداخله گسترده در طبیعت برای میلیون‌ها سال بر آینده تأثیر بگذاریم.^{۳۲}

²⁶Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC).

²⁷Intergovernmental Panel on Climate Change 2014 (IPCC), «Impacts, Adaptation, and Vulnerability Part A: Global and Sectoral Aspects», Cambridge University Press, United States of America, P. 5.

²⁸Extreme weather events.

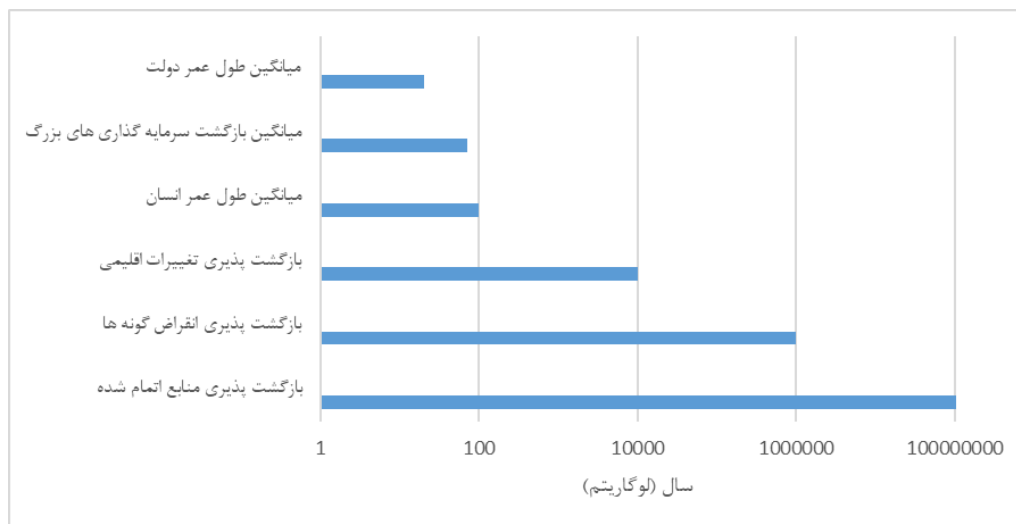
²⁹Ibid, p. 12.

³⁰Distribution of impacts.

³¹Ibid, p. 12.

³²Chet Tremmel, Joerg, A Theory of Intergenerational Justice, Earthscan, 2009, p. 2

در شکل زیر که بیانگر همین موضوع است، از ترکیبی از مفاهیم انسانی و طبیعی استفاده شده است که به ترتیب عبارتند از: میانگین طول عمر دولت،^{۳۳} میانگین بازگشت سرمایه گذاری های بزرگ،^{۳۴} میانگین طول عمر انسان،^{۳۵} بازگشت پذیری تغییرات اقلیمی،^{۳۶} بازگشت پذیری انقراض گونه ها^{۳۷} و بازگشت پذیری منابع اتمام شده^{۳۸}.



نمودار ۱: مقیاس ها برای طبیعت و انسان

این نمودار بیانگر گستردگی و دامنه آثاری است که نسل امروزی با فعالیت های خود بر کره زمین، بر آینده این زیست بوم مشترک بین موجودات زنده می گذارد.

در این گفتار سعی گردیده با توجه به گزارش های هیات بین الدولی تغییرات اقلیمی طی سه بند ابتدا به تعریف این پدیده پردازیم و سپس آثار تغییرات اقلیمی را ابتدا بر نظام اقلیم (آثار اولیه) و سپس بر جوامع انسانی (آثار ثانویه) شرح دهیم.

بند اول: تعریف

در این گفتار ابتدا وجوه تمایز تغییرات اقلیمی و تغییرات آب و هوایی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با شرح علل این تغییرات، این مفهوم را تعریف نموده ایم.

³³ Average length of Governments in Office.

³⁴ Average Pay-Back of Major Investments.

³⁵ Average length of Human Life.

³⁶ Reversibility of Climate Change.

³⁷ Reversibility of Species Extinction.

³⁸ Reversibility of Resource Depletion.

اول: تغییرات اقلیمی یا آب و هوایی

میان این دو، اگر چه در ادبیات حقوقی گاهی به جای یکدیگر بکار برده می‌شوند، تفاوت وجود دارد. تغییرات آب و هوایی^{۳۹} به رشته‌ای از تغییرات گفته می‌شود که بر سردی و گرمی هوا، کمی و زیادی برف و باران، شدت و ضعف طوفان‌ها و گردبادها در طول چند روز و چند هفته تاثیر می‌گذارد. دانش هواشناسی به پیش بینی آنچه در کوتاه مدت در جو زمین اتفاق می‌افتد، می‌پردازد.

وقتی از تغییرات اقلیمی^{۴۰} صحبت می‌کنیم، تغییراتی مد نظرمان می‌باشد که در بازه طولانی الگو و میانگین آب و هوای روزانه را متاثر می‌کند. امروزه، کودکان مدام روایت‌هایی از پدران و مادران‌شان می‌شنوند که گویای بارش چند متری برف و گاهی تونل زدن زیر مسیرهای برفی و تعطیلی چند روزه مدارسشان در گذشته می‌باشد. در اکثر مناطق کشور کودکان دیگر امکان دریافت چنین تجربه‌هایی را ندارند. این تغییر الگوی بارش برف به خوبی گویای اقلیم تغییر یافته از زمانی که والدین‌شان جوان بودند، می‌باشد.^{۴۱}

اگر تابستان‌ها گرمتر از گذشته به نظر می‌رسند و یا وقتی می‌شنویم که مردم در نقاط مختلف جهان ادعا می‌کنند که بهار زودتر از سی سال گذشته رخ می‌دهد. در می‌یابیم که در الگو و نظم اقلیم جهانی تغییراتی بوجود آمده است.

آب و هوا در واقع، شیوه رفتار اتمسفر است با در نظر گرفتن تاثیری که بر زندگی و فعالیت‌های انسان دارد. تفاوت آب و هوا با اقلیم در این است که آب و هوا شامل تغییرات کوتاه (چند دقیقه تا چند ماه) در اتمسفر است. اقلیم اما میانگین وضعیت آب و هواست در بازه طولانی زمان و فضا. اقلیم آن چیزی است که ما انتظارش را داریم مانند یک تابستان گرم، اما آب و هوا وضعیتی می‌باشد که دریافت می‌کنیم.^{۴۲}

دوم: تغییرات اقلیمی و علل آن

دمای کره زمین وابسته به میزان ورود و خروج انرژی به نظام زمین است. هنگامی که انرژی خورشید جذب زمین می‌شود، زمین گرم گردیده و هنگامی که این انرژی توسط زمین به فضا منعکس می‌شود، زمین شروع به سرد شدن می‌کند. عوامل متعدد طبیعی و انسانی در ایجاد تغییر در چرخه توازن انرژی کره زمین ایفای نقش می‌کنند که شامل: ۱- اختلاف میزان انرژی خورشید، ۲- تغییرات در میزان انعکاس انرژی وارد شده، از زمین به فضا و ۳- تغییرات در اثر گلخانه‌ای، که بر میزان گرما کره زمین تاثیر می‌گذارد. این عوامل باعث تغییرات در اقلیم به صورت متعدد می‌شوند.^{۴۳} اقلیم دارای نظامی پویا و در حال تحول و تغییر بوده، که در تاریخ زمین قابل مشاهده است. این تغییرات که موقت یا با بازه زمانی طولانی و در

³⁹Weather change.

⁴⁰Climate Change.

⁴¹Weather or Climate change, 09-2017, Retrieved from: www.climate.nasa.gov.

⁴²Roda, Verheyen, **Climate Change Damage and International Law Prevention Duties and State Responsibility**, Martinus Nijhoff Publishers, 2005, p. 12-13

⁴³«Causes of Climate Change», 06-2017, Retrieved from: www.archive.epa.gov.

یک نقطه یا در تمامی سطح کره مسکون رخ می دهند، در سه دسته قابل تقسیم بندی می باشند. این سه دسته عبارتند از: ۱- پروسه های طبیعی داخلی ۲- تأثیرات انسانی و ۳- فشار.

تغییرات ایجاد شده بوسیله فشار در نظام اقلیم، می تواند هواویزهای منتشر شده از سنگ های آتشفشانی بوده باشد، یا اینکه بدون فشار خارجی و به عنوان نمونه در اثر پدیده ال نینو باشد. برای مشخص شدن حدود این متن لازم است تمایز قائل شویم میان تغییرات طبیعی اقلیمی، و تغییراتی که در اقلیم بوسیله انسان ایجاد می گردد. کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد،^{۴۴} تغییرات اقلیمی را به شرح زیر تعریف نموده است: «تغییرات اقلیمی به تغییراتی که مستقیماً یا با واسطه توسط فعالیت های انسان در اقلیم ایجاد گردیده و نسبت اجزای سازنده اتمسفر جهانی را دگرگون می نماید گفته می شود.»

این تغییرات افزون بر تغییرات اقلیمی ایجاد شده بواسطه طبیعت می باشد و قابل ارزیابی در بازه زمانی مشخص است. گاهی اوقات به این پدیده تغییرات اقلیمی انسان آورد گفته می شود، تا به خوبی تمایز تغییرات اقلیمی طبیعی و انسانی را بیان کند. اشاره به چنین تفاوتی از این باب حائز اهمیت می باشد که الزامات حقوقی و مسئولیت را صرفاً به انسان می توان اختصاص داد. برای این منظور باید تأثیر انسان بر پدیده تغییرات اقلیم را در پس زمینه آثار طبیعت بر این پدیده شناسایی نمود.^{۴۵}

اکسیژن، نیتروژن، و آرگن روی هم رفته ۹۹/۹۶ درصد از جو را تشکیل می دهند. این گازها در سرمایش و گرمایش زمین نقش زیادی ندارند. ۰/۴ دهم درصد باقی مانده را، به ترتیب اهمیت، کربن دی اکسید، متان، نیتروژن اکسید، ازن، و کلروفلوروکربنها تشکیل می دهند. این گازها، تابش خورشید را از بالای جو به پایین راه می دهند، ولی مانع خارج شدن تابش میکرومتری زمین به فضا می شوند. این گازها، نقشی مانند شیشه در دیوارها و سقف گل خانه دارند و به همین سبب به گازهای گلخانه ای معروف اند. اگر مقدار این گازها در جو بالا رود، زمین گرم می شود.^{۴۶}

کربن دی اکسید، بیشتر از سوختن سوخت های فسیلی و غیر فسیلی، از دم و بازدم موجودهای زنده، از تبدیل سنگ های کربن دار به ترکیب های سیلیسی در طبیعت و در صنعت سیمان نشر می شود. از سوی دیگر، کربن دی اکسید به وسیله رویدنی ها، مرجان ها و موجودهای دریایی صدف دار جذب می شود و در آب اقیانوس ها به خوبی حل می شود. متان، بیشتر از تجزیه ترکیب های آلی گیاهی و حیوانی در مرداب ها، کف دریاها و جنگل ها و نشخوار نشخوارکننده ها منتشر می شود. نیتروژن اکسید در طبیعت بوجود می آید و از بین می رود. مصرف روزافزون سوخت های فسیلی و کودهای شیمیایی به افزایش آن در جو کمک می کند. ازن در لایه های بالای جو در اثر تابش فرابنفش خورشید بوجود می آید و اثر خنک کنندگی دارد. ولی، در لایه های پایین جو و سطح زمین، ازن در انجام فرآیندهای صنعتی، مانند جوشکاری و جرقه های الکتریکی تولید می شود و گرم کننده جو و زمین است. کلروفلوروکربنها به طور طبیعی به وجود نمی آیند. انسان ساخت هستند و در افشانه ها و ماشین های سرمازا به کار می روند. پیمان نامه های

^{۴۴}United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

^{۴۵}Ibid., p. 13-17.

^{۴۶} ثبوتی، یوسف، «اقلیم و تغییرات آن در سده های بیستم و بیست و یکم»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۲، خرداد ۱۳۹۰، ص. ۹-۱۰.

بین‌المللی،^{۴۷} تولید انواع آسیب رسان آنها را محدود کرده است.^{۴۸}

بیش از ۲۰ درصد از کربن دی اکسید اضافه شده در جو به مدت بیش از ۱۰۰۰ سال باقی می‌ماند. انتشار سالانه کربن دی اکسید از سوخت‌های فسیلی و تولید سیمان در سال ۲۰۱۱ به میزان ۵۰۹ گرم بوده است که ۵۴ درصد بالاتر از سطح ۱۹۹۰ می‌باشد. در جهان، انتشار گازهای گلخانه‌ای از سال ۱۹۷۰ به حدود ۷۵ درصد افزایش یافته است.

بند دوم: تاثیرات تغییرات اقلیمی بر نظام اقلیم

مشاهدات نظام اقلیم مبتنی بر اندازه‌گیری‌های مستقیم و سنجش از راه دور از ماهواره‌ها و دیگر نظام عامل‌ها است. مشاهدات جهانی در مقیاس وسیع در اواسط قرن نوزدهم برای دما و سایر متغیرها آغاز شد و مجموعه‌های گسترده‌تر و متنوعی از مشاهدات در دسترس برای دوره ۱۹۵۰ به بعد وجود داشت. تجدید ساختارهای آب‌وهوایی که در یک زمان خاص در گذشته زمین‌شناسی شایع است حکایت از برخی از رکوردها دارد که صدها تا میلیون‌ها سال پیش وجود داشته است. با هم، آنها دیدگاه جامع از تغییرات و تغییرات درازمدت در جو، اقیانوس، کربوسفیر و سطح زمین را ارائه می‌دهند.^{۴۹}

گرم شدن نظام اقلیم که از دهه ۱۹۵۰ شروع شده است در طول دهه‌ها تا هزاران سال پیش بی سابقه بوده است. جو و اقیانوس گرم شده‌اند، میزان برف و یخ کاهش یافته است، سطح دریا و غلظت گازهای گلخانه‌ای افزایش یافته است.

۱. جو

هرکدام از آخرین سه دهه در سطح زمین به طور پیوسته گرم‌تر از سال‌های ۱۸۵۰ بوده است. در نیمکره شمالی، سالهای ۲۰۱۲-۱۹۸۳، احتمالاً گرم‌ترین دوره ۳۰ ساله ۱۴۰۰ سال گذشته بود. دمای ترکیبی سطح اقیانوس و زمین در سطح جهانی و داده‌هایی که به وسیله یک روند خطی محاسبه شده است، در طول دوره زمانی ۱۸۸۰ تا ۲۰۱۲، گرم شدن ۰/۸۵ درجه سانتیگراد را نشان می‌دهد. افزایش کلی دما بین میانگین ۱۹۰۰-۱۸۵۰ و دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۳، ۰/۷۸ درجه سانتیگراد است، که مبتنی بر طولانی‌ترین داده‌های موجود در دسترس است. وقتی محاسبه آمار منطقه‌ای به اندازه کافی انجام شد، تقریباً تمام سطح زمین گرما را تجربه نموده بودند. تقریباً مطمئن هستیم که گشت کره^{۵۰} (صفر تا ۱۰ کیلومتری زمین) از اواسط قرن بیستم میلادی گرم گشته است. افزایش روزها و شب‌های گرم و کاهش روزها و شب‌های سرد در سطح جهانی بسیار محتمل است.^{۵۱}

^{۴۷} در سال ۱۹۸۵ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن توسط سازمان ملل متحد و دیگر کشورها تدوین شد و سپس در سال ۱۹۸۷ پروتکل مونترال در سازمان ملل متحد توسط ۴۶ کشور پذیرفته شد.

^{۴۸} Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), 2007, «The Physical Science Basis», Cambridge University Press.

^{۴۹} Intergovernmental Panel on Climate Change 2013 (IPCC), The Physical Science Basis, Cambridge University Press, p. 4.

^{۵۰} Troposphere.

^{۵۱} Ibid, p. 5-7.

۲. اقیانوس

تقریباً مطمئن هستیم که بخش بالایی اقیانوس^{۵۲} (۷۰۰-۰ متر) از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۰ گرم شده است. در مقیاس جهانی، نزدیکترین سطح آب (۷۵ متر)، در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۰ با ۱۱/۰ درجه سانتیگراد در هر دهه گرم گردیده است. بیش از ۶۰ درصد از انرژی خالص در نظام اقلیمی در اقیانوس بالا در طی نمونه دوره نسبتاً خوب ۴۰ ساله از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۰ ذخیره گردیده و حدود ۳۰ درصد در بخش زیرین اقیانوس (زیر ۷۰۰ متر) ذخیره می‌شود. افزایش دما در بخش بالایی اقیانوس در این دوره پیش بینی می‌شود. احتمال زیادی وجود دارد که از سال ۱۹۵۰ در مناطقی با تبخیر بالا شوری غالب باشد، و در مناطقی با بارش زیاد شوری کمتر گردد. این آمار منطقه‌ای به صورت غیر مستقیم بیانگر این نکته می‌باشد که روند تبخیر و بارندگی در اقیانوس‌ها تغییر نموده است.^{۵۳}

۳. سرماکره^{۵۴}

در طول دو دهه گذشته، ورقه‌های یخ گرینلند و قطب جنوب، بشدت کاهش یافته‌اند. یخچال‌ها تقریباً در سراسر جهان در حال کاهش بوده‌اند. و پوشش برف بهار و یخ دریای قطب شمال در نیمکره شمالی همچنان در حال کاهش می‌باشد. میانگین افت یخ در یخچال‌های طبیعی در سراسر جهان، به استثنای یخچال‌های طبیعی در حاشیه یخچال‌های یخ، احتمالاً ۲۲۶ میلیون تن^{۵۵} در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹ می‌باشد.

صفحات یخ گرینلند و قطب جنوب، بزرگترین اجرام یخ در جهان هستند و در نظام اقلیمی جهانی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. هر دو ورقه یخ از سال ۱۹۹۲ مقدار زیادی از یخ را از دست داده‌اند. افت یخ تجمعی از گرینلند از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۵ به ۳۶۰۰ گیگاتن رسید و موجب افزایش سطح جهانی آب دریا در حدود ۱۰ میلیمتر شد. شکل مربوطه برای قطب جنوب ۱۵۰۰ گیگاتن است که مربوط به حدود ۵ میلیمتر افزایش سطح جهانی آب دریا از سال ۱۹۹۲ است. پیش بینی‌های مدل کاهش بیشتر یخ قطبی در آینده را نشان می‌دهد، اما این موضوع همراه با یک عدم اطمینان بزرگ است. برابر تخمین‌ها ذوب ورقه‌های یخ قطبی تا ۵۰ سانتی متر افزایش سطح دریا در طول قرن ۲۱ را در پیش خواهد داشت. پیش بینی‌های بسیار طولانی مدت (تا سال ۳۰۰۰) نشان دهنده افزایش چند متری سطح دریا، با ذوب شدن ورقه‌های یخ است.^{۵۶}

میزان پوشش برف نیمکره شمالی از اواسط قرن بیستم کاهش یافته است. میزان بارش برف نیمکره شمالی در ماه مارس و آوریل به میزان ۶.۱ درصد و در ماه ژوئن ۷.۱۱ درصد در هر دهه در طول دوره ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۲ کاهش یافت. در طول این دوره، میزان پوشش برف در نیمکره شمالی در هر ماه افزایش قابل ملاحظه‌ای نشان نداد. با اطمینان بالایی میتوان ادعا نمود که از اوایل دهه ۱۹۸۰

^{۵۲}Upper Ocean.^{۵۳}Ibid, P. 8.^{۵۴}سرماکره (Cryosphere) برف و یخ یخچال‌های کوهستانی و قطب ها و زمین‌های یخ زده را شامل می‌شود.^{۵۵}افت ۱۰۰ میلیون تن یخ در سال، معادل ۲۸/۰ میلیمتر افزایش سطح آب دریا می‌باشد.^{۵۶}Greenland and Antarctic ice sheets, 20 Dec 2016, Key messages, Retrieved from: www.eea.europa.eu, 05/09/18.

دمای هوا در سراسر جهان افزایش یافته است. گرم شدن مشاهده شده در مناطق آلاسکا شمالی به ۳ درجه سانتیگراد (اوایل ۱۹۸۰ تا اواسط سال ۲۰۰۰) و در قسمت شمالی اروپایی روسیه تا ۲ درجه سانتیگراد (۱۹۷۱ تا ۲۰۱۰) بود. در منطقه دوم، در طول دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵، کاهش قابل توجهی در ضخامت مرجان و رسوبات مشاهده شده است.^{۵۷}

۴. سطح دریا^{۵۸}

هیات بین‌المللی تغییرات اقلیمی با سطح بالایی از اطمینان، افزایش سطح آب دریا از اواسط قرن ۱۹ نسبت به سطح آن در دو هزاره قبلی را تایید می‌کند. سطح آب دریا از ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۰، چیزی حدود ۱۹/۰ میلی‌متر افزایش یافته است. اطلاعاتی که از سطح دریا با گذر از قرن ۱۹ و در ابتدای قرن ۲۰ وجود دارد بیانگر این امر است که سطح آب دریا از کم به زیاد طی دو هزاره گذشته افزایش یافته است.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، افت انبوه جرم یخچال و انبساط دمایی اقیانوس، که ناشی از گرمایش جهانی می‌باشد، حدود ۷۵ درصد از افزایش سطح جهانی دریا را توضیح می‌دهد. در طول سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰، افزایش جهانی سطح دریا در مقایسه با مجموع سهم مشاهده شده از انبساط دمایی اقیانوس به علت گرم شدن ۱/۱ میلی‌متر در سال، از تغییرات یخچالهای طبیعی ۰/۷۶ میلی‌متر در سال، صفحات یخ گرینلند ۰/۳۳ میلی‌متر در سال، ورق یخ قطب جنوب ۰/۲۷ میلی‌متر در سال و ذخیره آب زمین ۰/۳۸ میلی‌متر در سال بوده است، که مجموع این سهم‌ها عبارتند از ۲/۸ میلی‌متر در سال. با اطمینان بالایی دریافته‌ایم که حداکثر میانگین جهانی سطح دریا در طول آخرین دوره بین‌یخبندانی، (۱۱۶۰۰۰ تا ۱۲۹۰۰۰ سال پیش) برای چندین هزار سال، حداقل و حداکثر به ترتیب ۵ و ۱۰ متر بالاتر از حال حاضر بوده است.^{۵۹} همچنین علت دیگر افزایش سطح آبها این است که با گرم شدن اقیانوس‌ها، آب منبسط شده و سطح گسترده تری را پوشش می‌دهد.^{۶۰}

سطح آب های دریا انتظار می‌رود که در سال ۲۱۰۰ با درجه گرمای ۱/۵ سانتی گراد کره زمین چیزی حدود ۱/۰ متر کاهش یابد. سطح آب ها حتی بعد از سال ۲۱۰۰ به افزایش خود ادامه خواهد داد. اندازه و نرخ رشد سطح آبها به میزان کاهش یا افزایش انتشار گاز های گلخانه‌ای توسط نسل امروز و نسل های آینده وابسته می‌باشد. بدیهی است نرخ رشد پایین تر سطح آبها فرصت های بسیاری را برای انطباق با شرایط جدید به انسان می‌دهد.^{۶۱}

۵. کربن و دیگر چرخه های زیست گیاه شناسی^{۶۲}

غلظت اتمسفر از دی اکسید کربن، متان و اکسید نیتروژن به سطح بی سابقه ای، در حداقل ۸۰۰۰۰۰ سال گذشته افزایش یافته است. غلظت دی اکسید کربن از زمان‌های قبل از صنعتی شدن

^{۵۷}Intergovernmental Panel on Climate Change 2013 (IPCC), Op.cit., P. 9.

^{۵۸}Sea Level.

^{۵۹}Ibid, P. 11.

^{۶۰}Islands disappear under rising seas, 4 november 2018, Retrieved from: news.bbc.co.uk, (14 june 1999).

^{۶۱}Intergovernmental Panel on Climate Change(IPCC), «Summary for Policymakers», 2018, P. 9.

^{۶۲}Carbon and Other Biogeochemical Cycles.

۴۰ درصد افزایش یافته است، که این میزان در درجه اول ناشی از انتشار سوخت‌های فسیلی و درجه دوم از تولید گازهای گلخانه‌ای ناشی از تغییر کاربری اراضی خالص می‌باشد. اقیانوس حدود ۳۰ درصد از دی اکسید کربن تولید شده انسانی را جذب کرده است، رخدادی که منجر به اسیدی شدن اقیانوس می‌شود.

غلظت گازهای گلخانه‌ای همچون کربن دی‌اکسید، متان و اکسید نیتروژن، از زمان ۱۷۵۰ به علت فعالیت‌های انسانی افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۱، غلظت این گازها، به ترتیب ۳۹۱ بخش در میلیون، ۱۸۰۳ و ۳۲۴ بخش در میلیارد بود، که حدوداً ۴۰، ۱۵۰ و ۲۰ درصد بیشتر از مقادیر دوره پیشاصنعتی می‌باشد. غلظت کربن دی‌اکسید، متان و اکسید نیتروژن، در حال حاضر به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از بالاترین غلظت ثبت شده در هسته یخ طی ۸۰۰۰۰۰ سال گذشته است. متوسط افزایش غلظت این گازها در جو در طی قرن گذشته، در ۲۲۰۰۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. اسیدی شدن اقیانوسها با کاهش ^{۶۳} PH مشخص می‌گردد. pH آبهای سطحی اقیانوس از زمان آغاز عصر صنعتی ۱/۰ درصد کاهش یافته است، که مربوط به افزایش ۲۶ درصدی غلظت یون هیدروژن است.^{۶۴}

بند سوم: تاثیرات تغییرات اقلیمی بر جوامع انسانی

۱. تاثیر تغییرات اقلیمی بر نیازهای اولیه

نیازهای اولیه مورد اشاره شامل کشاورزی، تامین و کیفیت آب، سلامتی و مسکن می‌باشد، که مورد بررسی واقع می‌شود.

● کشاورزی و خوراک

تغییرات در اقلیم تاثیر بسزائی در تولید مواد غذایی در سراسر کره زمین داشته است. استرس گرما، خشکسالی و سیلاب‌ها منجر به کاهش محصولات زراعی و تولیدات دامی می‌شود. مناطقی از کره که هم اکنون متاثر از خشکسالی می‌باشند مانند استرالیا و بخشی از آفریقا که در جنوب صحرای کبیر قرار دارد، مشکل کمبود آب در دسترس برای آبیاری را تجربه خواهند نمود.

در عرض جغرافیایی متوسط تا بالا پیش بینی می‌شود که رویش محصولات زراعی قله با توجه به میزان گرمای منطقه و نوع محصول به آرامی افزایش یابد. در عرض‌های جغرافیایی کمتر، محصولات کشاورزی قله کاهش خواهد یافت. بیشترین کاهش در محصولات قله در مناطقی با آب و هوای خشک و استوایی رخ خواهد داد. به عنوان نمونه تا سال ۲۰۵۰ پیش بینی می‌شود که در برخی کشورهای آفریقایی کاشت و برداشت محصول گندم بیش از

⁶³potential of hydrogen PH

(یک کمیت لگاریتمی است که میزان اسیدی یا بازی بودن مواد را مشخص می‌کند).

⁶⁴Ibid, P. 12.

۳۵ درصد، کاهش یابد.^{۶۵}

تغییرات اقلیمی بر صنعت شیلات در عمده مناطق کره زمین تاثیر گذاشته است. افزایش دمای اقیانوس‌ها باعث شده بعضی گونه‌های دریایی به آب‌های خنک‌تر تغییر مکان دهند. صنعت شیلات به جهت تامین خوراک و اینکه اقتصاد بسیاری کشورها به آن وابسته می‌باشد، دارای اهمیت است. به عنوان نمونه، خوراک بیش از ۴۰ میلیون انسان وابسته به نوعی ماهی می‌باشد که از دلتای مکونگ^{۶۶} در آسیا، تامین می‌گردد. پیش‌بینی می‌شود، کاهش جریان آب و افزایش سطح آب دریاها، برکیفیت آب و گونه‌های ماهی در مناطقی مانند نمونه بالا تاثیر منفی خواهد گذاشت، و این عامل بر تامین مواد غذایی جوامعی که به این گونه منابع وابسته می‌باشند، تاثیر خواهد داشت.^{۶۷}

تغییرات اقلیمی امنیت غذایی را در ابعاد جهانی منطقه‌ای و محلی بوسیله اختلال در دسترسی به خوراک، کاهش دستیابی به منابع غذایی و سخت کردن بهره‌برداری تحت تاثیر قرار می‌دهد. ریسک اقلیم در امنیت غذایی برای جمعیت فقیر و مناطق گرمسیری بسیار زیاد می‌باشد.^{۶۸}

● تامین و کیفیت آب

مناطق خشک و نسبتاً کم آب مانند منطقه مدیترانه، جنوب آفریقا، و شمال برزیل مستعد تاثیرات تغییرات اقلیمی بر تامین آب می‌باشند. در قرن آینده این مناطق، مخصوصاً بخش‌هایی که به علت خشکسالی، فشار جمعیت، و بهره‌برداری بی‌رویه منابع آبی، زنگ خطر کم آبی کاهش منابع آبی را تجربه خواهند کرد.

در اثر تغییرات اقلیمی، آب در مناطق بسیاری، در حال تبدیل شدن به یک منبع کمیاب است، در حالی که در برخی دیگر مناطق، آب کافی وجود خواهد داشت. دسترسی به آب به میزان بسیاری منوط به میزان بارش نزولات آسمانی و روان آب‌ها می‌باشد. با افزایش ۷.۲ فارنهایت در دمای جهان میانگین بارش سالانه پیش‌بینی می‌شود بین ۱۰-۵۰ درصد در عرض جغرافیایی بالا و در برخی مناطق گرمسیری افزایش یابد و در همین حین در مناطق خشک و عرض‌های جغرافیایی متوسط و نیمه حاره همین حدود کاهش یابد.^{۶۹} با افزایش دما بارش برف در بسیاری مناطق کاهش می‌یابد. یخچال‌های قطب با سرعت بی‌سابقه‌ای آب می‌شوند و دسترسی به آب را در مناطقی که وابسته به آب شیرین یخچال‌ها در بهار و تابستان هستند محدود می‌سازد. خشکسالی مدام گسترش می‌یابد. افزایش بارش، سطح منابع آب آشامیدنی را افزایش نمی‌دهد بلکه باعث افزایش سیل‌ها می‌شود.

⁶⁵ Intergovernmental Panel on Climate Change 2014 (IPCC), «Impacts, Adaptation, and Vulnerability Part B: Regional Aspects», Cambridge University Press, United States of America, P. 1218.

⁶⁶ ین رود بزرگترین رود آب شیرین برای ماهی گیری در جهان می‌باشد که از تبت سرچشمه گرفته و از چین و هندوچین می‌گذرد و به دریای جنوب چین می‌ریزد

⁶⁷ Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC) 2014, Op.cit., P. 1355.

⁶⁸ International Climate Impact, 06-2017, Retrieved from: 19january2017snapshot.epa.gov

⁶⁹ Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC) 2013, Op.cit., P. 91.

کیفیت آب برای بوم‌سازگان، بهداشت و سلامت بشر، کشاورزی و دیگر اهداف حائز اهمیت است. افزایش دما، تغییر در بارش، افزایش سطح آب و حوادث طبیعی از جمله عوامل تاثیر گذار بر کیفیت آب می‌باشند. طوفان‌های بارانی بسیار بزرگ باعث ورود منابع آلوده کننده به رودخانه‌ها شده و آب زیادی ممکن است نظام فاضلاب و ضربه‌گیرهای طبیعی را درهم بشکند. افزایش آلودگی مانند افزایش دمای آب می‌تواند عامل افزایش انفجاری رشد جلبک و خزه و افزایش بالقوه باکتری در مجموعه آب شود. در مناطق ساحلی و جزایر کوچک، آب شور ناشی از افزایش سطح آب دریا و موج‌های طوفان امکانات آبی را تهدید می‌کند. این آثار جوامع را ملزم می‌کند تا بدنبال منابع آبی مطمئن برای استفاده بشر باشد.^{۷۰}

● سلامت بشر

ریسک بیماری‌های ناشی از تغییرات اقلیمی در کشورهایی که امکانات مناسبی جهت مقابله با بیماری را ندارند بسیار بیشتر می‌باشد. نمونه‌های بسیاری از بیماری‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی وجود دارد. افزایش دمای کره با استرس گرما به صورت جدی لینک شده است. بدتر شدن کیفیت هوا که معمولاً همراه با موج گرما و حریق‌های گسترده رخ می‌دهد منجر به مشکلات تنفسی و تشدید آن و بیماری‌های قلبی می‌شود.^{۷۱} اثر تغییرات اقلیمی بر کشاورزی و نظام غذایی می‌تواند باعث افزایش نرخ سوءتغذیه و بیماری‌های مرتبط با غذای کم کیفیت شود.

تغییرات اقلیمی می‌تواند بر بیماری‌های واگیردار موثر باشد. گسترش بیماری همه‌گیر مننژیت عموماً با تغییرات اقلیمی مخصوصاً خشکسالی لینک شده است. مناطقی در زیر صحرای آفریقا و آفریقای غربی به گسترش مننژیت حساس بوده و به صورت خاص در ریسک می‌باشد اگر خشکسالی گسترش یافته و شدید شود. احتمال گسترش بیماری‌های قابل حمل به وسیله پشه مانند مالاریا، تب استخوان شکن و ویروس غرب نیل در مناطقی که پیش بینی می‌شود بارش و سیل بیشتری را دریافت می‌کنند وجود دارد. افزایش باران و دما منجر به گسترش بیماری تب استخوان شکن می‌باشد.^{۷۲}

تغییر در الگوی بارش و حوادث حاد اقلیمی منجر به کاهش آثار سلامت می‌شود به خصوص هنگامی که قدرت، آب یا نظام حمل و نقل مختل گردد. بیماری اسهال که ناشی از آب آلوده و منابع غذایی می‌باشد به یک نگرانی بزرگ به خصوص برای کودکان تبدیل می‌گردد. اثر تغییرات اقلیمی بر سلامت روانی و رفاه، بخش جدایی ناپذیر از مجموعه آثار مرتبط با تغییرات اقلیمی بر سلامت بشر می‌باشد. آثار تغییرات اقلیمی بر سلامت روانی طیفی از استرس اندک و نشانه‌های اضطراب تا اختلالات بالینی مثل اضطراب، افسردگی، اختلال فشار روانی و افکار خودکشی را شامل می‌شود.^{۷۳}

گروه‌های خاصی از مردم در کشورهای کم درآمد به صورت خاص در معرض آثار معکوس

^{۷۰}Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC) 2014, Op.cit., PP. 229-269.

^{۷۱}Ibid, P. 1057.

^{۷۲}Ibid, P. 722.

^{۷۳}Ibid, P. 732.

تغییرات اقلیمی در سلامت هستند. این گروه‌های در ریسک شامل مردم فقیری که در شهر زندگی می‌کنند، گروه بزرگسالان، کودکان، جوامع سنتی، کشاورزان و جمعیت ساحلی می‌باشند. بسیاری از مناطق مانند اروپا، آسیای جنوبی، استرالیا و شمال آمریکا اثرات بهداشتی مرتبط با گرما را تجربه کرده‌اند. جمعیت روستایی، بزرگسالان، کارگران بیرون خانه و آنهایی که دسترسی به تهویه مطبوع ندارند، بیشتر از دیگران مستعد بیماری و مرگ و میر مرتبط با گرما می‌باشند.

● مسکن

تغییرات اقلیمی بر مهاجرت افراد در داخل و بین کشورهای جهان، تاثیر می‌گذارد. عوامل بسیار زیادی به مهاجرت افراد به مناطق دیگر اثر می‌گذارد. این عوامل می‌تواند شامل اختلافات بر سر منابع، افت خدمات بوم‌سازگان، کمبود زمین کشاورزی بادوام یا آب تازه، و رویدادهای شدید مانند سیل، خشکسالی و طوفان باشد.^{۷۴}

رویدادهای شدید، بسیاری از مردم را مخصوصاً در مکان‌هایی که مردم توانایی یا منابع برای پاسخ‌گویی و بازسازی پس از فاجعه را ندارند، بی‌خانمان می‌کند. مدل‌های مختلفی از این قبیل رویدادها، که اختلافات موجود را تشدید می‌کند، به صورت مکرر و شدید در حال رخ دادن است. این خود موجب افزایش میزان مهاجرت‌ها، حین و پس از این رخدادها می‌شود. شهرک‌های ساحلی و نواحی کم ارتفاع به ویژه در برابر تاثیرات تغییرات اقلیمی مانند افزایش سطح آب، فرسایش، و طوفان‌های شدید، آسیب پذیر می‌باشند. افزایش دمای اقیانوس و اسیدی شدن آن، همچنین عامل تهدید بوم‌سازگان ساحلی می‌باشد. با نابود شدن زیستگاه‌های ساحلی (مانند جزایر سنگی، تالاب‌ها، دلتاها و مصب‌ها) سکونت‌گاه‌های ساحلی بیشتر در معرض سیل ناشی از طوفان‌های شدید و فرسایش قرار می‌گیرند. هم کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه در معرض اثرات افزایش سطح آب می‌باشند.^{۷۵}

۲. جمعیت آسیب‌پذیر

گروه‌های بومی در مناطق مختلف مانند آمریکا، آمریکای جنوبی و لاتین، اروپا و آفریقا، در حال تجربه تهدیدات مربوط به زندگی سنتی هستند. زندگی بومیانی که در جزایر کم سطح سکنی گزیده‌اند توسط افزایش سطح آب و رویدادهای شدید تهدید می‌شود. افزایش دما، و کاهش برف، یخ و لایه همیشه یخ بسته زمین گروه‌هایی را که در کوهستان و مناطق قطبی زندگی می‌کنند تهدید می‌کند. تغییرات اقلیمی در این مناطق بر شکار، صید، حمل و نقل و دیگر فعالیت‌ها تاثیر می‌گذارد.

تقریباً ۱/۴ میلیارد انسان، که شامل ۱/۵ جمعیت کره زمین می‌شود زیر معیارهای بانک جهانی در مورد فقر و در فقر شدید زندگی می‌کنند. گروه‌های کم درآمد بسیاری وابسته به خدمات و منابع عمومی مانند آب، انرژی و حمل و نقل هستند. حوادث شدید این منابع و خدمات را مختل می‌کند. بسیاری از مردم در کشورهای کم درآمد امکان دستیابی به مکانیزم‌های انطباق پذیری مانند تهویه

⁷⁴Ibid, P. 1353.

⁷⁵Ibid, P. 381.

مطبوع، گرما یا بیمه حوادث را ندارند. این کمبود ظرفیت انطباق پذیری، جمعیت ضعیف زمین را در برابر رویدادهای شدید اقلیمی آسیب پذیر نموده و با منجر شدن به فقر بیشتر و تثبیت آن، وضعیت این گروه‌ها را تشدید می‌کند.

بزرگسالان و کودکان نسبت به آثار تغییرات اقلیمی همچون گروه حساس می‌باشند. نظام تنفسی، ایمنی و عصبی در حال توسعه کودکان آنها را نسبت به برخی آثار تغییرات اقلیمی همچون حوادث متعاقب و شدید، افزایش گرما و آلودگی شدید هوا بیشتر حساس می‌کند. جمعیت بزرگسال همچنین با توجه به نحیف بودن و تغییر پذیری اندک، در ریسک هستند. گرمای شدید و طوفان می‌تواند به صورت نامتناسب بر گروه بزرگسالان تاثیر بگذارد.^{۷۶}

تاثیر تغییرات اقلیمی با توجه به جنسیت می‌تواند متفاوت باشد. زنان نرخ مرگ و میر بیشتری در اثر طوفان‌ها و رویدادهای شدید به نسبت مردان دارند، اگرچه تنوع منطقی‌های در آمار وجود دارد. در برخی نقاط مردان در سن کاری که خارج از خانه مشغول می‌باشند بیشتر در برابر مرگ و میر ناشی از گرما آسیب پذیر هستند. زنان در کشورهای در حال توسعه در برابر حوادث شدید با توجه به تفاوت‌های جسمی و میزان فقر و بارداری یا نرسیدن خوراک کافی به بدن گروه آسیب پذیر محسوب می‌شوند.^{۷۷}

۳. امنیت ملی

امنیت انسان بستگی به وجود یک نظام دارد که در آن هر فرد عقلانی برابر محاسباتش به این نتیجه برسد که همکاری با نظام بیشتر از شورش، جنگ داخلی، تروریسم، جرم و غیره سود آور است. افراد عقلانی اگر رفاه و امنیت فردی و رونق و امنیت آینده خود را در همکاری با نظام تضمین شده ببابند، به این فعالیت‌ها اقدام نخواهند کرد. بنابراین، یک نظام امن باید بتواند استاندارد قابل قبول زندگی و وعده یک آینده ی پایدار برای هر فرد را تضمین کند.^{۷۸}

با توجه به تفاوت در تقسیم منابع در سطح کره زمین، تغییرات اقلیمی به شیوه‌های متفاوتی بر امنیت انسانی تاثیر خواهد گذاشت. به عنوان نمونه: خلاف کشورهای صنعتی، که کشاورزی نیازمند یک یا دو درصد از نیروی کار است در کشورهای شرقی ۸۵ درصد از جمعیت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد خود به کشاورزی وابسته می‌باشند. اکثر این جمعیت به کشاورزی مشغول هستند به طوری که ۴۶ درصد از مردم روستایی زیر خط فقر و با ۵۵/۰ دلار در روز زندگی می‌کنند.^{۷۹}

انتظار می‌رود با افزایش آثار تغییرات اقلیمی نگرانی‌ها در خصوص امنیت ملی و آمار درگیری‌های بین‌المللی افزایش یابد. تغییرات اقلیمی عامل ناپایداری در کشورها، صدمه در دسترسی به آب و غذا، آسیب دیدن زیرساخت‌ها، شیوع بیماری‌ها، آواره شدن و بی خانمانی گروه بسیاری از مردم

⁷⁶Ibid, P. 717-718.

⁷⁷Ibid, P. 635.

⁷⁸Gough, Mark, «Human Security: The Individual in the Security Question - The Case of Bosnia», Contemporary Security Policy, V. 23, 2002, PP. 154-155.

⁷⁹Jon Barnett, W. Neil Adger, «Climate change human security and violent conflict», Political Geography, V 26, 2007, P. 641.

می‌باشد.^{۸۰}

بسیاری از نگرانی‌ها حول محور منابع طبیعی مانند آب می‌چرخد. در بسیاری از مناطق زمین دسترسی به آب تبدیل به یک معضل محلی و منطقه‌ای شده است. دسترسی به منابع مطمئن آب در این مناطق بسیار با ارزش می‌باشد. تغییرات در میزان و زمان بارش امکان تبدیل شدن محدودیت‌های اندک را به اختلافات آینده ایجاد می‌کند.^{۸۱} شواهد نشان می‌دهد بیشترین نزاع ممکن است بین جوامع محلی، گروه‌های اجتماعی-اقتصادی و ایالت/استان‌ها رخ دهد، در حالی که تعاملات دوجانبه و چند جانبه شاهد همکاری رسمی در مورد منابع است.

امنیت غذایی مورد تهدید در برخی بخش‌های آسیا و زیر صحرای آفریقا عامل ایجاد اختلافات می‌باشد. رشد بی‌رویه جمعیت و تغییرات در میزان بارش و دما در میان دیگر عوامل بر تولید محصولات در حال تاثیر گذاری می‌باشد. نتیجه کمبود مواد غذایی ریسک بحران‌های بشردوستانه و مهاجرت جمعیتی را در مرزهای ملی افزایش داده و نهایتاً یکپارچگی سیاسی کشورها را ناپایدار می‌نماید.

اگر گرم شدن کره زمین بیش از یک آستانه خاص ادامه یابد، که باعث از دست دادن تقریباً کامل یخچال یخ گرینلند در طی یک هزاره یا بیشتر شود، سطح جهانی دریا به صورت متوسط حدود ۷ متر افزایش خواهد یافت. آینده تغییرات سطح دریا در حوزه منطقه‌های متفاوت خواهد بود، اما پیش‌بینی می‌شود در حدود ۷۰ درصد از خطوط ساحلی، ۲۰ درصد از میانگین جهانی تغییر سطح دریا را تجربه کنند.^{۸۲} از دست دادن مداوم پوشش یخ در قطب اقیانوس اطلس، همراه با پیامدهای امنیت ملی می‌باشد. اقیانوس اطلس دارای تاریخچه‌های طولانی از فعالیت نسبتاً کم کشتی رانی اگرچه در حال رشد دارد که شامل مسیرهای حمل و نقل دریایی قطب شمال می‌شود.

کاهش پوشش یخ دریا به رشد فعالیت‌های دریانوردی می‌انجامد. مسیر شمال-غرب بواسطه تغییرات اقلیمی بین آسیا و اروپا برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ خالی از پوشش برف گردید.^{۸۳} اگرچه شمار زیادی از عوامل بین‌المللی دیگر بر پتانسیل رشد دریانوردی تاثیر می‌گذارد. در مورد اقیانوس قطب شمال، افزایش دریانوردی به معنای اهمیت دوچندان مباحثی همچون حاکمیت (اولویت در کنترل یک منطقه)، امنیت (مسئولیت نظارت بر مسیرها)، حفاظت محیط‌زیست دریایی (کنترل آلودگی هوا و آبراه کشتی، سرو صدا، صدمه کشتی به وال‌ها) و ایمنی (مسئولیت نجات و پاسخ) می‌باشد.^{۸۴}

همچنین پس از بررسی دانشمندان رابطه میان تاثیر تغییرات اقلیمی و ایجاد زلزله بررسی شد. در

⁸⁰Intergovernmental Panel on Climate Change 2014 (IPCC), Op.cit., P. 733.

⁸¹Ibid, p. 253.

⁸²Ibid, P. 188-189.

⁸³Michael Byers, Suzanne Lalonde, «Who owns the Northwest Passage?», Journal of Transnational Law, v. 42, 2009, P. 1138.

⁸⁴Arctic Council, Arctic Marine Shipping Assessment Report, 2009, Retrieved from: www.pmel.noaa.gov, 9/9/2018, P. 5.

این بررسی دکتر برندس^{۸۵} به همراه تیم خود، بررسی نمودند که آیا آب شدن یخچال های قطب بر تغییر شکل یک منطقه از دانمارک تاثیر گذارده یا نه. آنها دریافتند که در دور پلیستوسن که بین دو نیم میلیون تا ۱۲ هزار سال پیش ادامه یافته، حرکت و افتادن یخچال ها عامل تحرک و ایجاد زلزله و تغییر فضای دانمارک بوده است. این تحقیقات اثبات می کند که با توجه به فرایند تغییرات اقلیمی و سرعت گرم شدن زمین، توجه به قطب شمال و جنوب و تاثیر افتادن سازه ها و ساختار های یخی آن بر امنیت مناطق و جمعیت انسانی دارای اهمیت زیادی می باشد.^{۸۶} در اقیانوس آرام، یک سوم سواحل از ۲۰۰ جزیره مالدیوی که مسکونی نیز می باشند به زیر آب رفته اند.^{۸۷}

گفتار سوم: حق بر آینده سبز

در این گفتار، مفاهیم آینده سبز، کودک و نسل های آینده در سه بند از نظر لغوی تعریف گردیده و حدود آنها مشخص می شود.

بند اول: آینده سبز

حق بر آینده سبز، مفهومی خود ساخته است. نگارنده در این بند در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که آیا حق بر آینده سبز باید وجود داشته باشد؟ اگر قائل به چنین حقی باشیم باید پرسید چه افرادی از این حق بهره خواهند برد؟ در ادامه تلاش شده که این موضوع تشریح گردد.

در دو گفتار قبل سعی نمودیم به چالش های نو ظهور در حوزه محیط زیست بپردازیم. نتیجه این بررسی این شد که در زمانه حاضر عناصری از طبیعت که بین عموم موجودات مشترک است به صورت بلند مدت تخریب شده است. اقلیم در محدوده چند صد سال آینده تحت تاثیر رفتار نسل های گذشته و حاضر خواهد بود و در واقع، مبتنی بر آثار و گزارش های علمی موجود، نسل های آینده چالش هایی را تجربه خواهند نمود که مسئول آن نسل حاضر است.

ولفگانگ فیکنچر، در نظریه خود (یافتن و معنا کردن زمان گذشته در آینده) به ایستایی و پویایی حقوق پرداخته و نسیم زمان را در نظریه خود، به پیش جریان داده است. به اعتقاد وی قانون در حکم یا فرمان قطعی خود باز نمای حقوق بی حرکت است؛ تصویری است از یک لحظه منفرد. اما حقوق باید در لحظات همیشه نو، در زمان و در تاریخ تحقق یابد.^{۸۸}

این نظریه، ذهن حقوق دان را منعطف می کند به شرح و بسط دادن حقوق به شیوه ای که حقوق فراتر از احکام یا فرمان های کلی مندرج در متن قانون باشد و با این اندیشه که نظام دستوری (نورماتیو) بالاتر از حد توقعات زمان های تغییر پذیر قرار بگیرد. وی بیان می کند که متصدی حقوقی باید مضمون قاعده

^{۸۵} Brandes.

^{۸۶} Brandes, Christian, «Can Climate Change Cause Earthquakes?», Aug 15, 2018, Retrieved from: www.scientia.global.

^{۸۷} Islands disappear under rising seas, Op.cit..

کلی و ایستا را در مقابل وجوه واقعی و پویای زندگی خم کند. به این فن و روش تغییر و تبدیل، ایجاد قاعده مرتبط با مورد می‌گویند.^{۸۹}

در متن حاضر حق بر آینده سبز به مجموعه حقوق و منافع اشاره دارد که در آینده برای آیندگان قابل حصول می‌باشد. (حقی که مبتنی بر مورد (چالش‌های تغییرات اقلیمی در آینده) ایجاد می‌شود.) محوریت و مبنا این حقوق و منافع، باید با توجه به اصول و آرمان‌هایی همچون بشریت و عدالت باشد. بنابراین، به صورت خلاصه باید گفت با توجه به ایجاد چالش‌های بلندمدت در آینده توسط تغییرات اقلیمی، حق بر آینده سبز که از آرمان بشریت و عدالت ریشه می‌گیرد، بوجود می‌آید. مراد از حق بر آینده سبز در این متن مجموعه منافع می‌باشد که کودکان و نسل‌های آینده در حوزه محیط‌زیست برای زندگی بدان نیاز خواهند داشت.

در خصوص ارتباط میان انسان و محیط‌زیست سه رویکرد مختلف وجود دارد. ۱- رویکرد انسان محوری محض و سخت؛ طبق این رویکرد هدف اصلی، دسترسی و بهره‌برداری فوری از منابع طبیعی است. و نگاه انسان به محیط‌زیست تنها برای رفع نیازها و بهره‌برداری اقتصادی صرف از آن می‌باشد. ۲- رویکرد محیط‌زیست محوری؛ خلاف رویکرد انسان محوری محض و سخت، در این رویکرد انسان به عنوان بخشی از محیط‌زیست به شمار می‌آید که باید همانند سایر اشکال حیات و بدون توجه به بهره‌ای که برای انسان دارد، مورد پشتیبانی قرار بگیرد. ۳- عدالت محیط‌زیستی؛ عدالت محیط‌زیستی بر سه جنبه عدالت میان انسان‌ها در تقسیم بهره‌مندی از محیط‌زیست، عدالت میان نسل‌های کنونی و آینده و عدالت میان گونه‌ها (انسان و دیگر گونه‌ها) تاکید دارد.^{۹۰}

بند دوم: کودک

واژه کودک که برابر آن بچه می‌باشد به فرزند انسان خواه دختر یا پسر اطلاق می‌شود. علت به کار بردن واژه کودک برای فرزند انسان اعلام عدم رشد وی می‌باشد.^{۹۱} کودک به جهت عدم رشد شخصیتی در برابر قانون دارای وضعیتی متفاوت از بزرگسالان می‌باشد. به صورتی که از طرفی حقوق متفاوتی به او اختصاص پیدا می‌کند و از طرف دیگر تکالیف و مسئولیت او متناسب وی باید باشد. در این میان لازمه ایجاد نظم در جامعه در نظر گرفتن معیاری برای تمایز کودک از بزرگ سال به جهت تمایز حقوق و تکالیف آنها است. کودک در علوم مختلف انسانی دارای تعاریف متفاوتی می‌باشد. عدم انطباق تعاریف با یکدیگر و تاثیر آن در عالم حقوق آنجا که از طرفی کودک را مسئول نمی‌دانیم و در صدد حمایت از او هستیم ایجاب می‌نماید تا محدوده کودکی با واقعیات تبیین گردد.

رشد امری تدریجی می‌باشد و به یک باره حاصل نمی‌آید تا بتوان گفت فرد با رسیدن به سن مشخصی حتما رشد را به همراه داشته باشد و از شمول لفظ «کودک» خارج گردیده است. اما همین واقعیات

^{۸۹}پیشین.

^{۹۰}رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۴۱۴.

^{۹۱}معین، محمد، فرهنگ معین، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات آدنا، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳.

اجتماعی ایجاب می‌نماید که معیاری را به عنوان اماره‌ای نسبی در جهت تفکیک کودک و بزرگسال قرار دهیم. در تعیین این معیار باید به کلیه جنبه‌های روحی، روانی و جسمی فرد انسان توجه شود و معیاری تعیین شود که با غالب افراد جامعه منطبق باشد.^{۹۲}

هر چند در اسناد، اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی واژه کودک به کرات مورد استفاده قرار گرفته اما تعریفی که بیانگر اتفاق نظر جهانی باشد وجود ندارد. به موجب ماده یک کنوانسیون حقوق کودک: «کودک یعنی هر انسان زیر ۱۸ سال» با این تعریف هر چند تدوین کنندگان کنوانسیون حقوق کودک معیاری مطمئن برای تشخیص کودک از بزرگسال تعیین نموده‌اند، اما با آوردن قید «مگر اینکه بر طبق قانون مربوط، سن بلوغ کمتر باشد» به دولت‌ها اجازه داده شده تا سن دیگری را برای کودکی مشخص نمایند.^{۹۳} البته در ماده ۲ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک^{۹۴} این قید حذف گردیده و در بیان مفهوم کودک آمده که از نظر این منشور کودک هر شخص انسان زیر ۱۸ سال می‌باشد.

ماده یک میثاق حقوق کودک در اسلام، کودک را چنین تعریف نموده است: «منظور از کودک هر انسانی است که بر اساس قانون قابل اعمال در مورد وی به سن بلوغ نرسیده باشد.» در این میثاق معیار تمایز دوران کودکی و بزرگسالی بلوغ شخص می‌باشد نه رسیدن به سنی معین. از این منظر شخص رشد نیافته برابر کودک بوده و بلوغ مرحله‌ای از رشد جسمانی و عقلانی در نظر گرفته شده که پس از آن شخص دارای اهلیت استیفا و توانایی انجام امور خود به صورت مستقل می‌گردد.

با وجود در نظر گرفتن معیارهای مختلف در اسناد بین‌المللی برای تعیین دوران کودکی، در این پژوهش با عنایت به کنوانسیون حقوق کودک، مقصود از کودک افراد زیر ۱۸ سال سن می‌باشند. با مشخص شدن دوران پایان کودکی، شروع آن نیازمند بررسی می‌باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱ خود تصریح نموده که انسان‌ها از لحظه تولد حقوق و منزلت برابر دارند. سوالی که ذهن را درگیر می‌کند این است که آیا جنین می‌تواند صاحب حق باشد؟ این موضوع با توجه به پیوسته بودن مراحل رشد، ارتباط و تاثیر دوران جنینی بر کودک متولد شده می‌تواند ما را متوجه گروه زنان باردار و حقوق آنها و همچنین مفهوم نسل‌های آینده بنماید. آنچه که از حقوق بشری بر می‌آید عدم دارا شدن جنین از حق می‌باشد.

بند سوم: نسل‌های آینده

در این بند، سعی شده است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که مفهوم حق نسل‌های آینده چیست؟ دیدگاه موافقان و مخالفان حق نسل‌های آینده چیست و در نهایت مفهوم و ماهیت این حق مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است.

^{۹۲} اسدی، لیل سادات، «بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفری»، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق)، سال دوازدهم، بهار و تابستان ۸۶، ص. ۳۸.

^{۹۳} ابراهیمی، زهرا، (۱۳۹۳)، حق سلامت کودک در نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی.

^{۹۴} African Charter on the Rights and Welfare of the Child,

اول: تعریف نسل‌های آینده

مورخان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان اصطلاح نسل را به کار می‌برند تا مقطع زمانی متعلق به زندگی معاصران را برسانند. بنابراین هنگامی که در تاریخ از نسل‌ها سخن می‌رود، منظور از نسل: فاصله بین تولد پدران و مادران و تولد فرزندان آنها است، که معمولاً ۲۵ تا ۳۰ سال در نظر گرفته می‌شود. یعنی حدود سه نسل در یک قرن. انسان‌شناسان نسل را هنگامی به این معنی به کار می‌برند که بخواهند نسب‌نامه‌ها را برای محاسبه تاریخ‌های وقایع سنتی به کار گیرند و جامعه‌شناسان هنگامی که بخواهند در تحلیل آمار جمعیت یک برهه زمانی را نشان دهند. از این نظر در مجموع می‌توان گفت: نسل عبارت است از فاصله زمانی بین تولد اعضای از جامعه که همزمان زاده شده‌اند و تولد فرزندان آنها که جامعه‌شناسان آن را از لحاظ آماری دوره‌ی معینی فرض می‌کنند.

به عقیده مانهایم، منظور از نسل در مفهوم اجتماعی آن داشتن جایگاه مشترک از بعد تاریخی تحول است. بنابراین نسل موید وقایع تاریخی مشترک میان افراد است که در دوره‌های معینی رخ داده و سبب اشتراک در تجارب و آگاهی‌های آنان شده است.^{۹۵}

دوم: تقسیم‌بندی نسل‌ها

می‌توان یک تقسیم‌بندی حقوقی با توجه به حقوقی که به شخص تعلق می‌گیرد در سه بازه قبل از تولد، زندگی و پس از مرگ انجام داد. این تقسیم‌بندی در قالب مفاهیم نسل گذشته، نسل حال یا حاضر و نسل آینده به صورت زیر بیان می‌گردد.

۱. نسل گذشته

در مقام بیان مفهوم نسل گذشته، به نظر می‌رسد بتوان با توجه به مباحث زیست‌شناختی و مفهوم زمان اقدام به تقسیم‌بندی نسل‌ها نمود. بدین صورت نسل گذشته شامل نسلی می‌باشد که با طی دوره حیات و وقوع مرگ عمرشان به پایان رسیده است. عامل مرگ اگرچه عامل انقطاع نسل گذشته از نسل حاضر می‌باشد اما باید توجه داشت که این انقطاع، تمام رابطه‌های حقوقی را میان نسل گذشته و نسل حاضر از میان نبرده و این رابطه را وارد دوره‌های جدید می‌کند. انسان متوفی اگرچه دیگر برای استحقاق حقوق خود حضور ندارد اما میان آثار باقی مانده از او و نسل حاضر کماکان رابطه حقوقی موجود می‌باشد. کالبد بی‌جان نسل گذشته به خاک سپرده شده، مورد احترام بوده و نبش قبر از نظر قانون جرم دانسته شده است. همچنین در خصوص آثار فکری برجایمانده از شخص می‌دانیم که قانون تحت شرایطی آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد.^{۹۶}

۲. نسل حاضر

طبقه‌بندی جمعیت یک جامعه در علم جمعیت‌شناسی مبتنی بر معیارهای متفاوتی از جمله سن

^{۹۵} مفهوم نسل. ۲۸ خرداد ۱۳۹۷. در:

www.social-school.blogfa.com

^{۹۶} شفیق فرد، حسن، مفهوم و جایگاه حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و ایران، پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۶

می باشد. در این میان می توان از تقسیم بندی افراد یک جامعه به گروه خردسالان و گروه بزرگسالان یاد کرد. در این تقسیم بندی فرزند نوع بشر مادامی که به بلوغ نرسیده باشد در دسته اول قرار می گیرد. خردسالان پس از طی دوران کودکی و رشید شدن در دسته دوم که بزرگسالان می باشند قرار می گیرند. در این میان معیارهای مختلفی برای تعیین حدود دوره خردسالی وجود دارد که کاربردی ترین آنها سن می باشد.

با تولد شخص و ادامه حیات به او انسان زنده گفته می شود. پس از رسیدن به سن بلوغ شخص با پیش فرض های همچون آگاهی و مسئولیت پذیری همچون بزرگسالان مورد شناسایی قرار می گیرد. در این میان تفاوت های عمده های میان شناسایی معیار رشد و بلوغ برای کودکان در نظر گرفته شده که سن یکی از آنها می باشد. کنوانسیون حقوق کودکان در ماده یک خود به سن ۱۸ سال اشاره کرده و افرادی را که زیر ۱۸ سال سن دارند کودک نامیده است. اما همچنین اعلام نموده که اماره ۱۸ سال برای مواردی می باشد که دولت متبوعه برای شناسایی کودک اماره و سن دیگری معین ننموده باشد.

در تقسیم بندی حقوقی نسل ها ملاک، شخصیت حقوقی فرد می باشد. شخص با زنده متولد شدن دارای شخصیت حقوقی شده و با مرگ اهلیت وی خاتمه می یابد.^{۹۷} اهلیت بر دو نوع می باشد، اهلیت تمتع و استیفا. اهلیت تمتع با زنده متولد شدن شخص ایجاد می گردد. اما استیفا از این اهلیت منوط به گذر از سن کودکی و رشد می باشد، تا بدین وسیله توانایی انجام اعمال حقوقی را مستقلا و بدون نیاز به شخص دیگری دارا باشند.

نسل های انسانی را نمی توان به صورت دقیق و خط کشی شده از یکدیگر مجزا کرد. طبیعت توالی بین نسلی، وجود نسل های واسطه های است که به آنها کودکان می گوئیم.

۳. نسل آینده

عبارت نسل آینده در معنای لغوی، به تمام افرادی گفته می شود که در بازه زمانی پس از حال به دنیا بیایند. صفت آینده برای نسل گویای این نکته می باشد که نسل حاضر در این دسته قرار نگرفته و نسل بعدی افراد زنده کنونی در جهان، نسل آینده خواهند بود.

مفهوم واقعی یک نسل روشن نمی باشد. از نظر تاریخی، احتمال بوجود آمدن یک نسل از گذشته، زمانی طولانی حدود ۲۵ تا ۳۰ سال را می طلبد که در آینده تحقق می یابد و تخمین این مدت زمانی، در جهان پیشرفته به علت طولانی شدن دوره حیات، بیشتر است. وقتی این مقایسه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطرح می گردد تفاوت بسیار فاحش است و در نتیجه به علت مشخص نبودن دوران حیات، مفهوم یک نسل در اصل خیلی با تردید روبه رو خواهد شد. با این حساب مسئله مشکل تر گردیده و ارائه تعریفی از یک نسل واضح نیست.

در طول دو سده از حیات بشر، انسان ها اعم از مرده و زنده به طور همزمان بیش از پنج میلیارد نفر با هم زیسته اند. آنچه که به طور دقیق تر می توان گفت این است که اساسا موجودیت نسل ها

^{۹۷} ماده ۹۵۶ قانون مدنی ایران

مطرح نیست بلکه از جریان پایدار وجود انسان، می‌توان بحث کرد و بشریت را می‌توان به رودخانه بسیار بزرگی تشبیه کرد که پیوسته جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی بزرگ و بزرگتر می‌شود. به طوری که نمی‌توان بین اجزای تشکیل دهنده آن که قطره‌های آب است، تفاوت گذاشت.^{۹۸}

با این همه باید توجه داشت که سیاست گذاری‌ها و اقدامات نسل حاضر در مورد نوع رابطه با طبیعت است که کیفیت زندگی نسل آینده را تعیین می‌نماید. بنابراین اگرچه نمی‌توان در یک جامعه به صورت عینی به تفکیک نسل‌ها پرداخت، اما این عدم امکان عملی تفکیک به موجودیت مفهوم و واقعیت اصلی امر خدشه وارد نمی‌آورد.

* نتیجه‌گیری

زمین با عمری بالغ بر چهار میلیارد سال، دوران‌های مختلفی را طی نموده است تا به شکل حاضر و با این تنوع زیستی در اختیار نسل حاضر قرار گرفته است. آخرین دوری که زمین در آن قرار گرفت چیزی حدود ۱۱۷۰۰ سال به طول انجامید. در این دور تمامی مولفه‌های حیات و بالندگی گونه‌ها و تنوع زیستی شکل گرفت و حیات یافت. این دور با قدرت گرفتن انسان در عدم تبعیت از چرخه‌های زیستی و استفاده از دانش در تغییر این چرخه‌ها در بلند مدت پایان یافت و کره زمین را وارد دور جدیدی تحت عنوان دور انسان نمود. حائز اهمیت است که ویژگی عمده دور هالوسن، با عمر ۱۲ هزار سال، پایداری و ثبات آن بود که در دور انسان معکوس گردیده و چرخه‌ای از تغییرات را بوجود آورده است. با این حساب می‌توان گفت هر گونه تغییری که انسان امروز در ایجاد آن دخالت دارد و حیات را در کره زمین برای بازه زمانی طولانی مدت دچار تغییر می‌کند، تحت عنوان تغییرات دور انسان می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد.

از جمله تغییراتی که در دور انسان شکل گرفته است، تغییرات اقلیم می‌باشد که برابر نظر اقلیم‌شناسان بازگشت‌پذیری هر اقلیم بعد از تغییر به حالت پیشاصنعتی چیزی حدود ۱۰ هزار سال زمان نیاز دارد.^{۹۹} توجه به اقلیم از این باب که یک مجموعه کامل و پیچیده از نظام‌هایی حیات‌بخش و مکمل یکدیگر هستند و در طی سال‌های متمادی به پایداری زیستی رسیده‌اند، دارای اهمیت است. تخریب اقلیم با توجه به ارزش حیاتی آن حائز آثاری بلند مدت خواهد بود. این آثار بویژه از این جهت دارای اهمیت است که در زمانه‌ای که مخرب اصلی موجود نیست، کماکان استفاده‌کنندگان را متأثر می‌نماید.

فضای طبیعت خلاف فضای انسانی مرزهای زمانی و مکانی متفاوتی را مورد شناسایی قرار داده است. در بعد مکانی، مرزهای سیاسی گاه‌ها در یک اقلیم گنجانده شده و از محیط‌زیست مشترک بهره می‌برند. تغییرات اقلیمی با نابودی اقلیم، یک نگرانی مشترک برای تمام واحدهای سیاسی بوجود آورده است. همچنین باید توجه داشت که اثر این تغییرات بلافاصله و در کوتاه مدت نمایان نمی‌شود. تراکم

^{۹۸} کیس، الکساندر، «حقوق محیط‌زیست»، جلد اول، ترجمه محمد حسن حبیبی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۲، ص ۱۰۴
^{۹۹} ر.ک: فصل اول، نمودار یک، ص. ۱۰.

گازهای گلخانه‌ای طی سالیان متمادی در جو انباشت می‌گردد و اندک اندک دمای کره زمین را بالا می‌برد. این رویداد چندین نسل از نسل‌های انسانی و جانوری را متاثر نموده و شناسایی آثار آن در بلند مدت یک ضرورت است.^{۱۰۰}

اگر وظیفه متصدی حقوقی را پاسخ به چالش میان دو طرف یک قضیه بدانیم در این مسئله نسل حاضر و گذشته، ایجاد کننده مسئله‌ای به نام تغییرات اقلیمی می‌باشند. نسل‌های آینده و کودکان که یا اراده‌ای ندارند و یا اراده آنها مخدوش می‌باشد، قربانی این چالش خواهند بود. در همین راستا در فصل دوم به حق بر آینده سبز که پاسخگوی حق بر محیط زیست سالم برای کودکان و نسل‌های آینده می‌باشد، می‌پردازیم. همچنین به منظور شناسایی تلاش‌های جامعه بین‌المللی در پاسخ به چالش تغییرات اقلیمی، در فصل سوم فضای جامعه جهانی را در پاسخ به این چالش در دور ناپایداری بررسی خواهیم نمود.

^{۱۰۰} بورقی، رضا، «تغییرات جوی و امنیتی بین الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، صص. ۱۷-۲۰.

فصل دوم: تاثیر تغییرات اقلیمی بر ذی‌نفعان حق بر آینده سبز

فصل سوم: آرمان‌های بین‌المللی، سازکارها و تعهدات حمایت از حقِ بر آینده‌سبز

نتیجه‌گیری

در این نوشته کوشیدیم تا مسئله تغییرات اقلیمی را بر حق بر آینده سبز در دو فصل بررسی کنیم. از یک سو با تامل در گزارش‌های هیات بین دولتی تغییرات اقلیمی، آثار این پدیده را بر زمین، حقوق کودکان و نسل‌های آینده مطالعه کردیم و از سوی دیگر رویکرد جامعه بین‌المللی را مد نظر داشتیم و در کنار آن تحولات در عرصه مفاهیم و اصول حقوقی را تبیین نمودیم. در طول مسیر بر آن بودیم که تا حد ممکن تأثیرات این جریان‌ها بر یکدیگر و آینده‌ای که شکل می‌دهند را تا حد ممکن روشن و واضح بیان نماییم.

در فصل اول، ابتدا به تبیین دور انسان پرداختیم. و دریافتیم که این چرخش در ادوار زمین‌شناختی، دارای آثاری همچون بی‌ثباتی و تخریب الگوی پایداری است. تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از نشانه‌های عدم پایداری به ما نشان داد که با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که برای حداقل چند صد سال تمام وجوه زندگی موجودات را در زمین درگیر خود خواهد نمود. این چالش به درستی رابطه نسل‌های حاضر با نسل‌های آینده را که به صورت پیش‌فرض می‌بایست مبتنی بر عدالت و انصاف و احترام باشد را، تخریب نموده و چالش‌های عدیده‌ای در مسیر دستیابی نسل‌های آینده به حق بر آینده سبز ایجاد نموده است.

کودکان و نسل‌های آینده، نسبت به محیط‌زیست پاک و سالم محق هستند. آنها دارای حق بر آینده سبز، روشن و همراه با امیدواری نسبت به آینده می‌باشند. در فصل دوم، طی دو مبحث به بررسی حقوق کودکان و نسل‌های آینده پرداختیم. در مبحث اول، ضمن تبیین حقوق کودک، موارد نقض این حقوق توسط تغییرات اقلیمی، طی پنج گفتار تشریح گردید. مبحث دوم با ماهیت و چالش‌های نسل‌های آینده آغاز گردید. نسل‌های آینده خلاف کودکان، به دلیل موجود نبودن، در حوزه حقوق مورد غفلت قرار می‌گیرند. این چالش به همراه آگاهی از خطرات تغییرات اقلیمی برای آنها، دشواری حمایت از این گروه را در عالم حقوق نمایان می‌سازد. در این مبحث، کوشیدیم ضمن توجه به نظریه سود یا منفعت، مبنایی برای حقوق آنها بیابیم، سپس در عالم واقع به جستجوی منابعی پرداختیم که نسل‌های آینده در آن مورد توجه بوده است. و در نهایت، رابطه تغییرات اقلیمی و نسل‌های آینده مورد اشاره واقع شد.

تا اینجا کار، به معرفی و چالش‌های تغییرات اقلیمی بر حق بر آینده سبز پرداختیم. در فصل پایانی، پاسخ‌های جامعه بین‌المللی و مبنای این پاسخ‌ها را مد نظر داشتیم. این فصل ابتدا با معرفی هیات بین‌دولتی تغییرات اقلیمی به عنوان یک نهاد علمی در جهت‌دهی به افکار عمومی و سیاسی دولت‌مردان آغاز شد. جامعیت گزارش‌های این نهاد در فهم جدی بودن تهدید تغییرات اقلیمی نقشی بسیار اساسی داشته و سندی مطمئن جهت تصمیم‌گیری در کنفرانس‌های اعضا و دیگر نهادها می‌باشد.

کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی و اسناد مصوب کنفرانس اعضا که شامل پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس هستند به عنوان اسناد تخصصی در حوزه مقابله با تغییرات اقلیم مورد بررسی قرار گرفت. در گفتار مربوطه به تشریح ساختار و ارکان کنوانسیون، تعهدات دولت‌های عضو و قواعد شکلی کنوانسیون در کنوانسیون مادر و پروتکل‌های آن پرداختیم. در دو گفتار پایانی مبحث، به کنوانسیون تنوع زیستی و جنگل‌ها بواسطه همبستگی طبیعی اقلیم و تنوع‌زیستی و نقش جنگل‌ها در تثبیت دما و بارش پرداخته و رابطه نزدیک میان این دو را تشریح نمودیم.

در نهایت در مبحث پایانی فصل سوم، آرمان‌های حمایت از حق بر آینده سبز در برابر تغییرات اقلیمی مورد توجه واقع شد. در خصوص مفهوم بشریت، به میراث مشترک بشریت، نگرانی مشترک بشریت و خیر مشترک بشریت پرداخته و سعی نمودیم روند پیدایش و جایگاه آنها را تبیین نماییم. همچنین در بحث از عدالت و انصاف، به نحوه ارتباط این مفهوم با اصول تغییرات اقلیمی و جایگاه آن پرداختیم.

تغییرات اقلیمی با ظهور انقلاب صنعتی و تغییر دور هالوسن به دور انسان آغاز می‌گردد. این تغییرات پس از انباشت گسترده گازهای گلخانه در جو باهستگی در سطح وسیعی نظم و الگوی بارش و دما را تغییر می‌دهد. این در حالی است که جامعه بین‌المللی در سال ۱۹۷۲ با انتشار اعلامیه استکهلم توجه عموم کشورها را به مسئله محیط‌زیست جلب می‌نماید و نهایتاً در سال ۱۹۹۲ در نشست ریو اسناد الزام‌آور در حوزه حفاظت از تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی به تصویب می‌رسند.

آغاز دور انسان به معنای ایجاد تغییرات وسیع به لحاظ مکانی و زمانی است. اقلیم ناپایدار تا چندین عمر انسانی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. این امر از طرفی با تخریب منابع، نیازهای اساسی کودکان برای رشد سالم را نابود می‌سازد، از طرف دیگر، وضعیت آینده جوامع را با شهروندانی که در محیط‌زیست تخریب شده رشد یافته‌اند، تهدید می‌نماید. کودکان، در اثر حوادث ناشی از تغییر اقلیم، از حق بر آموزش، تفریح، تابعیت، حق بر فرهنگ و رشد در جامعه پایدار محروم خواهند شد. همچنین این تغییرات با به زیر آب بردن بعضی کشورها و دیگر رویدادها، حقوق و منافع نسل‌های آینده را بر رشد و زندگی در جامعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی به صورت جدی تهدید می‌نمایند.

ما نسل ناظر دگرگونی زمانه هستیم. یعنی اندیشیدن به آینده و رویدادهای محتمل آن بیش از گذشته و دگرگونی‌های آن باید در فرایندهای تصمیم‌گیره و قاعده‌گذاری مد نظر باشد.

در حال حاضر بیش از آنکه شاهد زمانه دگرگونی‌ها باشیم، ناظر دگرگونی زمانه هستیم. یعنی این تغییرات زمانه است که بر ساختار روابط اجتماعی تاثیر می‌گذارد و ضرورت همگام‌سازی قواعد اجتماعی را نمایان می‌سازد.

در حقوق بین‌الملل سنتی که با ویژگی‌هایی همچون اصل حاکمیت، خودمحمور بودن یا خصوصی بودن روابط میان دولت‌ها و اصل اراده خودپسندانه منافع دولتی مورد شناسایی قرار می‌گیرد، به دلیل عدم وجود حاکمیت مرکزی و آنارشی در روابط تابعان آن، منابع حقوق عمدتاً در پی حل تعارضات گذشته شکل گرفته و بوجود می‌آیند. این امر در حقوق داخلی معکوس است. بدین معنا که قانون‌گذار با ذهنیتی آینده‌نگرانه به وضع قاعده می‌پردازد.

حقوق تغییرات اقلیمی با توجه به آثار بلند مدتی که تغییرات اقلیمی دارد در پی آن است که با ابزارهای موجود حقوق، نظم کنونی جامعه و طبیعت را به آینده تسری داده و وضعیت حاضر را تا آینده استمرار بخشد.

برای این کار حقوق محیط‌زیست ضمن حمله به اصل اساسی نظم بین‌الملل سنتی مانند اصل حاکمیت دولت و فرسایش منفعت‌گرایی ملی با تمرکز بر اصول توسعه پایدار، اصل همکاری، مسئولیت مشترک اما متفاوت و ... که ریشه در ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی همچون بشریت، عدالت و انصاف بین‌نسلی دارند، در قالب حقوق بین‌الملل همزیستی به حقوق آیندگان از جمله حقوق کودکان و نسل‌های آینده توجه می‌نماید.

زمان با به تحرک در آوردن و تغییر یافتن، ارزش‌های حاکم را از میان می‌برد و فضا را برای ارزش‌های جدید ایجاد می‌نماید.

کنوانسیون تغییرات اقلیمی با طراحی مکانیسم‌های مختلف در جهت نیل به خیر مشترک و عدالت توزیعی قدم بر داشته و اجماع خوبی در سطح جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی شکل داده است. این عدالت با توجه به چالش نابرابری مسئولیت کشورها و همچنین نابرابری آثار تغییرات اقلیمی بر افراد انسانی مفاهیمی همچون مسئولیت مشترک اما متفاوت و توسعه پایدار را ایجاد نموده است. با این حال، می‌بینیم که تاخیر در آغاز مقابله با تغییرات اقلیمی نمایانگر ناتوانی سازکارهای جامعه بین‌المللی در شناخت و مقابله با تهدیدات آن است. در واقع به نظر می‌رسد در حوزه حقوق محیط‌زیست ما با تابعان اجتماعی بین‌المللی به جای جامعه‌ای با اهداف مشخص و معین روبه‌رو هستیم. در این حالت، اولویت داشتن منافع ملی بر منافع بین‌المللی از جمله عوامل بی‌توجهی به وضعیت میراث مشترک بشریت در کل است.

در مبحث اول از فصل سوم، دیدیم که جامعه بین‌المللی در مقابله با تغییرات اقلیمی در کنار انتشار روزافزون گازهای گلخانه‌ای موفقیت چندانی بدست نیاورده است. اسناد بین‌المللی اگرچه توجه خود را به آینده معطوف داشته‌اند اما کماکان در تبیین حقوق نسل‌های آینده و ایجاد تعهدات جدی در این حوزه ناکام مانده‌اند. ناتوانی جامعه بین‌المللی در ایجاد همبستگی جهانی و عدم وجود اراده سیاسی ارزش‌محور در این حوزه از جمله موانع اساسی در مسیر دستیابی به حق بر محیط‌زیست سالم در آینده خواهد بود.

حقوق اگرچه توانسته در قالبی قراردادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به پای میز مذاکره نشاند و در قالب حقوق، قدرت آنها را در انتشار گازهای گلخانه‌ای محدود نماید، اما پر واضح است که نتوانسته در این حوزه بر قدرت حاکمیت دولت‌ها با ابزار ارزش‌های بین‌المللی نیل آید. چنین ساختاری اگرچه منتج به نتیجه دلخواه در عرصه مقابله با تغییرات اقلیمی می‌گردد، اما در ساختارهای منفعت‌گرایی دولت‌ها و قدرت نامنتهای آنها جای گرفته است. همین امر، موجب می‌شود تا در صورتی که دولتی قواعد قراردادی این حوزه را خلاف منافع ملی خود شناسایی کند از پذیرش تعهدات در این حوزه شانه خالی نموده و منفعت ملی خود را به خیر مشترک جامعه جهانی ترجیح دهد.

به عبارت دیگر، ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی در برابر ملی‌گرایی کشورها و اصل حاکمیت

و ستفالیایی دارای قدرت اجرایی نبوده و جامعه بین‌المللی در مرحله شناسایی و تفهیم این مفاهیم قرار دارد. چنین موضوعی، به همراه آمارها و ارقام نگران‌کننده در حوزه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای طی سال‌های گذشته بیانگر ناتوانی سازکارهای بین‌المللی در حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی و حمایت از حق بر آینده سبز می‌باشد.

در ابتدا نگارنده تاثیرپذیری آیندگان از تغییرات اقلیمی به دلیل ناتوانی جامعه جهانی در مقابله با این تهدید را به عنوان فرضیه اصلی این متن مطرح نمود. در پایان مشاهده می‌نماییم که اقلیم، این میراث مشترک بشریت که تبدیل به نگرانی مشترک بشریت گردیده در ناکارآمدی ساختارهای بین‌دولتی در حال تخریب بوده و اقدام مثبتی تا کنون در جهت مقابله با این پدیده برداشته نشده است. بنابراین صحت فرضیه اصلی تایید گردیده و فرضیه رقیب رد می‌شود.

متن حاضر با چند پرسش مختصر آغاز شد و اکنون که این اثر به پایان رسیده، دستاوردهای بسیاری برای نگارنده به همراه داشته است. از جمله این موارد توجه به مبنای سرمایه‌داری و دولت‌های مبتنی بر سرمایه‌داری در ایجاد چالش‌های محیط‌زیستی و آغاز دور انسان می‌باشد. همچنین توجه به ژن خودخواه و روند تکامل انسان در طبیعت تا به امروز که پاسخ بسیاری از مشکلات در آن وجود دارد از جمله یافته‌های فراطبیعی می‌باشد که در متن حاضر بدان اشاره نگردید.

در حوزه پیشنهادات و راهکارها، نگارنده نقطه ثقل توجهات را از دولت‌ها برداشته و با توجه به ناکارآمدی آنها، پیشنهاد می‌نماید بر افراد و اصلاح الگوی مصرف، از طرق مختلف خصوصا در عصر فناوری کنونی و با توجه به در دسترس بودن رسانه‌های جهانی تاکید شود. محور قرار دادن بشر به صورت مستقیم و در نظر گرفتن دولت‌ها به عنوان ساختارهای تسهیل‌کننده شرایط زندگی برای مردم به رفع موانع حقوق بین‌الملل و ایجاد عدالت مبادله‌ای میان شهروندان کشورهای مختلف با تابعیت‌های متفاوت کمک خواهد نمود. اگر تفاوتی میان تابعیت شهروندان افغانستان و انگلیس نباشد، ملی‌گرایی رنگ باخته و فرصت برای نیل به خیر مشترک جامعه جهانی باز خواهد شد.

تاکید جامعه جهانی بر اجتماعات، به موازات دولت‌ها و شنیدن و رسا نمودن صدای اجتماعات و گروه‌های اجتماعی نقشی اساسی در ایجاد فشار سیاسی بر دولت‌مردان از درون دولت‌ها خواهد داشت. در این حوزه نسل‌های جوان و سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله پتانسیل‌های تاثیرگذار در جهت دهی افکار عمومی جوامع خواهند بود که با بالابردن هزینه‌های روانی برای سیاست‌مداران انتخاب‌هایی را که عامل انتشار گازهای گلخانه‌ای است را مورد توجه قرار داده و محدود می‌نمایند.

همچنین در حوزه آموزش، برای رسیدن به خیر مشترک جهانی و جلوگیری از بروز و رشد نگرانی مشترک بشریت در جامعه جهانی، زمین نیازمند شهروندانی جهانیست. افزایش آگاهی و دانش افراد بشری نسبت به قراردادی بودن مرزهای سیاسی و وجود منافع مشترک جهانی به صورت گسترده می‌تواند از طرفی عامل مقابله با سیاست‌های مخرب باشد و از طرف دیگر با ممانعت در فرهنگ مصرف‌گرایی و ایجاد بسترهای لازم برای ترویج فرهنگ قناعت میان عموم از فشار موجود بر تولید بکاهد و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد.

تکالیف نسل حاضر در برابر نسل‌های آینده این است که ابتدا با چشمانی باز به آثار عملی که در زمان

حال انجام می‌دهد در بازه زمانی آینده و زمانی که نیستند توجه نماید و با رویکرد محتاطانه اقدام به انجام اعمالی نمایند که در تعارض با حقوق بنیادین بشر (چه نسل حاضر و چه آینده) نباشد. از طرف دیگر نهادهای اجتماعی همچون دولت‌ها و سازمان‌ها، به نمایندگی از بشریت به عنوان تسهیلگر این حقوق مسیرهای نقض آن را سد نموده و مانع شوند.

آموزش و فرهنگ‌سازی مسیر خروج از خودخواهی است. نسل دیگر خواه در مسیر تصمیماتش به شهروندان دیگر کشورها نیز توجه می‌نماید. همچنین در صورت عملی ساختن نظریه عدالت جان رالز، و قرار دادن تصمیم‌گیران (چه خرد و چه کلان) در پس پرده جهل می‌توان به ایجاد بسترهای مناسب برای نیل به آینده سبز امید داشت.

در نهایت این پرسش باقیست که آیا تهدیدات محیط‌زیستی خواهند توانست ساختارهای قدیمی حقوق بین‌الملل را به تحرک درآورده و با ظهور قواعد آمره در این حوزه اصل حاکمیت دولت‌ها را به زیر بکشند؟ چه بازه زمانی نیاز است تا از تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت دولت‌ها عبور کرده و بتوان در سایه حکومت ارزش‌های بنیادین جهانی و بشریت، رفتار تابعان آگاه زمین را منطبق با شرایط و نیازهای موجود تبیین نمود؟

هزاران نقطه روشن بر پیکره آسمان شب مشعل امید را در نظر هوشیار انسان خردمند گرم‌نگه می‌دارند. ستارگانی که نورشان از چند صد سال نوری می‌گذرد و در حالی به ما می‌رسد که ممکن است خودشان چندین سال پیش مرده باشند. نورهایی از گذشته‌های دور، در دل تاریکی و ظلمت بی‌انتهای شب بر حال و آینده ما می‌تابند. در وجود برای عدم می‌سوزند و در عدم، وجود را زیبا می‌سازند. آیا از وجود امروز ما برای نسل‌های آینده نوری خواهد تابید؟

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

۱. اسلامی، رضا، آیا حقوق بشر؟، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول ۱۳۹۵.
۲. انصاری، باقر، حق آموزش: حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳. بلیک، ژانت، حفاظت از حیات وحش از دیدگاه حقوق بین‌الملل، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۴. تقی زاده انصاری، مصطفی، ترمینولوژی حقوق بین‌المللی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۶. دینا شلتون، الکساندر کیس، کتابچه قضایی حقوق محیط‌زیست، ترجمه محسن عبدالهی، معاونت حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۷. شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳.
۸. فلسفی، هدایت الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۹. فلسفی، هدایت الله، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
۱۰. فلسفی، هدایت الله، صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو، چاپ دوم ۱۳۹۴.
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، شهر دانش، جلد اول، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.

۱۲. کیس الکساندر، اچ پیتر سند و وینفراید لانگ، **حقوق محیط زیست**، ترجمه: حبیبی، محمد حسن، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۳. لال کوروکولاسوریا، نیکلاس رابینسون، **مبانی حقوق بین الملل محیط زیست**، سید محمد مهدی حسینی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۱۴. لسناف، مایکل هری، **فلسوفان سیاسی قرن بیستم**، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ چهارم، نشر ماهی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۵. معین، محمد، **فرهنگ معین**، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات آدنا، تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. ویلسون، ادوارد، **در جستجوی طبیعت غریزه زیست‌گرایی**، کاوه فیض الهی، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۹۷.

مقالات

۱. امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳-۱۳۷۴.
۲. اسدی، لیلا سادات، «حق کودک بر هویت»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۹، ۱۳۸۷.
۳. اسدی، لیلا سادات، «بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفری»، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق)، سال دوازدهم، بهار و تابستان ۸۶.
۴. افتخار جهرمی، گودرز، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.
۵. بجاوی، محمد، «ژنوم انسانی به مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۶. براتی، محمد و دیگران، «بررسی تاثیر تغییرات اقلیمی بر روی بیماریهای انگلی»، مجله علوم پیراپزشکی و بهداشت نظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.
۷. پور هاشمی، عباس و دیگران، «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۸. توکل حبیب زاده، فرنگیس منصوری، «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

۹. ثبوتی، یوسف، «اقلیم و تغییرات آن در سده‌های بیستم و بیست و یکم»، فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۲، خرداد ۱۳۹۰.
۱۰. جمالی، حمیدرضا، «میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین الملل»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۱. جمالی، حمیدرضا، «نقد نظریه تاریخی حاکمیت در پرتو میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد، شماره ۳، ۱۳۸۹.
۱۲. خانی، محمدحسن و سعیدی، روح‌الامین، «جهانی شدن و مسئله فرسایش حاکمیت در عصر پساوستفالیای»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۲.
۱۳. رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین، «از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲.
۱۴. رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست»، دوفصلنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۹، دوره ۱۲، تابستان ۱۳۸۹.
۱۵. زاهدی، شمس‌السادات، نجفی، غلامعلی، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵.
۱۶. عبدالهی محسن، معرفی سعیده، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست»، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹.
۱۷. عبدالهی، محسن، «تغییرات آب و هوایی: تاملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، بهار ۱۳۸۹، دوره ۴۰، شماره ۱.
۱۸. فراهانی‌فرد، سعید، «توسعه پایدار بر محور عدالت»، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ۱۳۸۴.
۱۹. فلسفی، هدایت‌الله، «ملل متحد و آرمان بشریت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶، ۱۳۸۱.
۲۰. فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق بشریت در برزخ میان عدالت و قدرت»، در: محمدرضا ضیائی بیگدلی، «از حق مداری تا حکومت قانون»، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲۱. نعیمی‌زاد، هانیه، فخرالدین ابوییه، «بررسی اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و ملی»، دومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۳۹۵.

پایان‌نامه‌ها

۱. ابراهیمی، زهرا، (۱۳۹۳)، «حق سلامت کودک در نظام بین المللی حقوق بشر»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. بورقی، رضا، «تغییرات جوی و امنیتی بین الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۳. پناهنده ثمرین، امیر، «بررسی رویکرد های حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی نسبت به حفاظت از تنوع زیستی به عنوان میراث مشترک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط‌زیست، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
۴. جوادمنش، جواد، «آثار متقابل کنوانسیون چارچوب تغییرات آب و هوای سازمان ملل و تجارت بین‌الملل بر یکدیگر»، پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
۵. شفیق فرد، حسن، «مفهوم و جایگاه حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست و ایران»، پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۶.
۶. غدیری، ماهرو، «حق بر زندگی خانوادگی از منظر حقوق بشر»، پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

1. Agius, Emmanuel, Et.al (Editors), **Future Generations and International Law**, Routledge, London, 1998.
2. Bertrand G. Ramcharan, «The Law-Making Process: From Declaration to Treaty to Custom to Prevention», In: Shelton, Dinah, **The Oxford Handbook of International Human Rights Law**, Oxford University Press, United Kingdom, 2013.
3. Blake, Janet, **International Cultural Heritage Law**, Oxford, United Kingdom, 2015.
4. Chet Tremmel, Joerg, **A Theory of Intergenerational Justice**, Earthscan, 2009.
5. Cole, Luke W. and Sheila R. Foster, **From The Ground Up: Environmental Racism and the Rise of the Environmental Justice Movement**, New York University Press, New York, 2001.
6. James Nickel and Daniel Magraw, «Philosophical Issues in International Environmental Law», In Samantha Besson and John Tasioulas, **The Philosophy of International Law**, Oxford University Press, 2010.
7. Lamotte, K. Russell, «Mechanisms for Global Agreements», In: Martella, Roger Romulus, Grosko, J. Brett, (editor), **International environmental law : the practitioner's guide to the laws of the planet**, American Bar Association. Section of Environment, Energy, and Resources, First edition, Chicago, Illinois ABA, Section of Environment, Energy, and Resources, 2014.
8. Mahravan, Abbas, «The Sustainable Portion of Gross Domestic Product: A Proposed Social Ecological Economic Indicator for Sustainable Economic Development», In: Karyono, Tri Harso, Et.al, **Sustainable Building and Built Environments to Mitigate Climate Change in the Tropics**, Springer, Cham, 2017.
9. Newton, David, **Environmental justice: A Reference Handbook**, ABC-CLIO Inc. denvor, 1996.
10. Rawls, John, **A Theory of Justice**, The Belknap Press of Harvard University Press, Revised Edition, Massachusetts, 1999.
11. Roda, Verheyen, **Climate Change Damage and International Law Prevention Duties and State Responsibility**, Martinus Nijhoff Publishers and VSP., Netherlands, 2005.

12. Sen, Amartya, **The Idea of Justice**, The Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts, 2009.
13. Wolfrum, Rüdiger, «Solidarity», In: Shelton, Dinah, **The Oxford Handbook of International Human Rights Law**, Oxford University Press, United Kingdom, 2013.
14. Ziolo, Magdalena et.al «Sustainable Finance Role in Creating Conditions for Sustainable Economic Growth and Development», In: Walter Leal Filho, et.al, **Sustainable Economic Development**, Springer, Switzerland, 2017.
15. Ochieng, Robert M., «The role of forests in climate change mitigation: A discursive institutional analysis of REDD+ MRV», Ph.D Thesis, Wageningen University, 2017.

مقاله‌ها

1. Antonio G. M La Vina, «The Right to a Sound Environment in the Philippines: The Significance of the Minors Oposa Case», *RECIEL*, V. 3, NO. 4, 1994.
2. Argandona ,Antonio, «The Common Good», IESE Business School Working Paper, No. 937, 2011.
3. Basu R, Samet J, «Relation between elevated ambient temperature and mortality: a review of the epidemiologic evidence», *Epidemiologic Review*, vol. 24, No. 2.
4. Boyle, Alen, «Human Rights and the Environment: Where Next?», *The European Journal of International Law*, Vol. 23, no. 3, 2012.
5. Brown Weiss, Edith, «Climate Change Intergenerational Equity And International Law: An Introductory Note», Georgetown University Law Center, U.S.A, 2001.
6. Brown Wiss, Edith, «Nature and the Law: The Global Commons and the Common Concern of Humankind», *Sustainable Humanity Sustainable Nature: Our Responsibility*, Extra Series 41, 2014.
7. Card, Claudia, «Genocide and Social Death», In: «Hypatia», Vol. 18, No. 1, 2003.
8. E.B. Wiss, «Nature and Natural Law: Global commons and the Common Concern of Humankind», *Sustainable Humanity Sustainable Nature: Our Responsibility*, Extra Serirs 41, 2014.
9. Galaz, V. et al. «Planetary boundaries-exploring the challenges for global environmental governance», *Current Opinion in Environmental Sustainability*, Vol. 4, Issue 1, February 2012.

10. Gosseries, Axel, «On Future Generations Future Rights», *The Journal of Political Philosophy*, V. 16, No. 4, 2008.
11. Gough, Mark, «Human Security: The Individual in the Security Question - The Case of Bosnia», *Contemporary Security Policy*, V. 23, 2002.
12. Gündling, Lothar, «Our Responsibility to Future Generations», *The American Journal of International Law*, Vol. 84, No. 1, 1990.
13. Kim, Hee-Eun, «Changing Climate, Changing Culture: Adding the Climate Change Dimension to the Protection of Intangible Cultural Heritage», *International Journal of Cultural Property*, Volume 18, Issue 3, 2011.
14. Haris Majeed, Jonathan Lee, «The Impact of Climate Change on Youth Depression and Mental Health», *The Lancet Planetary Health*, vol. 1, nom. 3, june 2017.
15. Hofmann, Rebecca, «Culturecide in changing Micronesian climates? About the unintentionality of climate change», In: *The International Journal of Human Rights*, Vol. 18, No. 3, Routledge, 2014.
16. Horn, Laura, «The Implications of the Concept of Common Concern of a Human Kind on a Human Right to a Healthy Environment», *Macquarie Journal of International and Comparative Environmental Law*, 2004.
17. Blake, Janet, «‘L’intérêt commun de l’humanité à la protection du patrimoine subaquatique’», dans Vincent Négri (editeur), *Le patrimoine archéologique et son droit* (Paris: Bruylant), 2015.
18. Jon Barnett, W. Neil Adger, «Climate change human security and violent conflict», *Political Geography*, V. 26, 2007.
19. Katharina Ruppel-Schlichting, Sonia Human, «Climate Change: International Law and Global Governance», V. 1, Nomos, Germany, 2013.
20. Loucaides, Loukis, «Environmental Protection Through The Jurisprudence Of The European Convention On Human Rights», *British Yearbook of International Law*, V. 75, Issue 1, 1 January 2005.
21. M. Edgeworth, et al, «Diachronous Beginnings of the Anthropocene», *The Anthropocene Review*, 2015, v.2(1).
22. M.K Tolba, «The Implication of the Common Concern of Humankind concept on Global Environmental Issues», *Revista IIDH Documentos*, vol. 13.

23. Magsig, Bjorn-Oliver, «International Water Law and the Quest for Common Security», Routledge, 2015.
24. Michael Byers, Suzanne Lalonde, «Who owns the Northwest Passage?», *Journal of Transnational Law*, v. 42, 2009.
25. P. Crutzen, W. Steffen, «The Anthropocene: Are Humans Now Overwhelming the Great Forces of Nature?», *Ambio*, 2007, v.36, no. 8.
26. P.A.Barresi, «Mobilizing the public trust doctrine in support of publicly owned forests as carbon dioxide sink in india and united state», *colorado journal of international environmental law and policy*, v. 23, 2012.
27. P.G Carozza, «The Universal Common Good and the Authority of International Law», *Logos*, 9:1, Winter, 2006.
28. Plachciak, Adam, «Environmental Justice and John Rawls Concept of Well-Ordered Society», *Actual Problems of Economics*, NO. 1(163), 2015.
29. Quirico, Ottavio, «A human rights based approach to climate change? insights from the regulation of intangible cultural heritage», In: Federico Lenzerini, Ana Filipa Vrdoljak, «International Law for Common Goods», Oxford, 2014.
30. Richardson, b.j, «A Study of Australian Practice Pursuant to the World Heritage Convention», *Environment Policy and Law*, V. 20/4-5, 1990.
31. Ruppel-Schlichting, Katharina, et al, «Climate Change and Children's Rights: An International Law Perspective», In: Oliver C. Ruppel, et al, «Climate Change: International Law and Global Governance», *nomos*, v. 1, 2013.
32. S. Lewis, M. Maslin, «Defining the Anthropocene», *Nature*, v. 519, 2015.
33. Sanz-Caballero, Susana, «Children's rights in a changing climate: a perspective from the United Nations Convention on the Rights of the Child», *Ethics In Science And Environment Politics*, volume 13, 2013.
34. Shelton, Dinah, «Common Concern of Humanity», *Iustum Aequum Salutare*, v.2009/1.
35. Short, Damien, «Cultural genocide and indigenous peoples: A sociological approach», In: *The International Journal of Human Rights*, Vol. 18, No. 3, Routledge, 2014.
36. Steffen, W., et al, «Stages of the Anthropocene: Assessing the Human Impact on the Earth System», *American Geophysical Union*, 2008.
37. Vidas, Davor, «The Earth in the Anthropocene – and the World in the Holocene?», *ESIL Reflections*, Vol. 4, No. 6, August 2015.

38. Westra, Laura, «Environmental justice and the rights of ecological refugees», Earthscan, United Kingdom and United State, 2009.
39. Wiss, Edith brown, «International law in a Kaleidiscopic World», Asian Journal of International Law, Japan, 2011.
40. Zhang, Hai-Bin, «U.S. withdrawal from the Paris Agreement: Reasons, impacts, and China's response», Advances in Climate Change Research, Volume 8, Issue 4, 2017.

اسناد

1. African Charter on the Rights and Welfare of the Child.
2. Agreement Between the Government of Canada and the Russian Federation Concerning Audio-Visual Relations 1995.
3. Agreement Governing the Activities of States on the Moon and other Celestial Bodies 1979.
4. American Declaration of the Rights and Duties of Man.
5. Back E, Cameron C, «Climate Change Report: our climate, our children, our responsibility. The implications of climate change for the world's children», UNICEF UK, London, 2008.
6. Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage 1972.
7. Convention for the Establishment of an Inter-American Tropical Tuna Commission, 31 May 1949.
8. Convention on Biological Diversity 1992.
9. Convention on Biological Diversity, «Report of the Third Meeting of The Conference of The Parties to the Convention on Biological Diversity», Argentina, 1996.
10. Convention on the Conservation Migratory Species of Wild Animals 1979.
11. Convention on the Conservation of European Wildlife and Natural Habitats, 1979.
12. Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, Paris, 20 October 2005.
13. Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage 2001.
14. Convention on the Rights of the Child 1989.

15. Convention on the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage 2003.
16. Declaration of Principles - Building the Information Society: a global challenge in the new Millennium, 2 November 2001.
17. Declaration of the Principles of International Cultural Co-operation 1996.
18. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm declaration) 1972.
19. Food and Agriculture Organization of United Nation (FAO), «Global Forest Resources Assessment 2015: How are the world's forests changing», Second Edition, Italy, 2015.
20. High Commissioner for Human Rights, «Understanding Human Rights and Climate Change», Submission to the 21st Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, 2015.
21. Human Rights and Equal Opportunity Commission (HREOC), Background Paper: Human Rights of Climate Change Everyone, everywhere, everyday, Australian Human Rights Commission, Sydney, 2008.
22. Human Rights Council, «Human rights and climate change», Resolution 4/10, 41st meeting, 25 March 2009.
23. Human Rights Council, «Human rights and climate change», Resolution 7/23, 41st meeting, 28 March 2008.
24. Human Rights Council, «Human rights and climate change», Resolution 22/18, 37th meeting, 17 October 2011.
25. Human Rights Council, «Human rights and climate change», Resolution 27/26, 40th meeting, 15 July 2014.
26. Human Rights Council, «Human rights and climate change», Resolution 29/15, 44th meeting, 2 July 2015.
27. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «Impacts, Adaptation, and Vulnerability Part A: Global and Sectoral Aspects», Cambridge University Press, United States of America, 2014.
28. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «Impacts, Adaptation, and Vulnerability Part B: Regional Aspects», Cambridge University Press, United States of America, 2014.

29. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «Mitigation of Climate Change», Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and USA, 2014.
30. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), The Physical Science Basis, Cambridge University Press, 2013.
31. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «The Physical Science Basis», Cambridge University Press, 2007.
32. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «Climate Change 2007: Impacts, adaptation and vulnerability», Contribution of Working Group II to the Fourth Assessment Report of the IPCC, Cambridge University Press, New York, 2007.
33. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), «Summary for Policymakers», 2018.
34. International Council on Human Rights Policy (ICHRP), Climate change and human rights. A rough guide, ATAR Roto Press SA, Vernier, Switzerland.
35. Ize-Charrin, María Francisca, «Debate This House believes that climate change violates the universal right of all peoples to live in a safe and sustainable environment», Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 17 September 2008, Geneva.
36. M.E Brockmann, Opening Session Address, «United Nations Conference on the World Financial and Economic Crisis and its Impact on Development», New York, 24-26 June 2009.
37. Millennium Development Goals 2000.
38. Report of the Conference of the Parties serving as the meeting of the Parties to the Kyoto Protocol on its first session (KP, CMP), Montreal, 28 November to 10 December 2005, Part 2, Decision 1/CMP.1, FCCC/KP/CMP/2005/8/Add.1, 30 March 2006.
39. Sustainable World Summit on Johannesburg Development 2002.
40. The Committee on Housing and Land Management Economic Commission For Europe, «Framework Convention Concept», Seventy-Second Session, Geneva, 3 and 4 October 2011.
41. The Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights 1997.

42. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, Including the Moon and other Celestial Bodies 1966.
43. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 14: The Right to the Highest Attainable Standard of Health (Art. 12 of the Covenant), 11 August 2000, E/C.12/2000/4.
44. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003, E/C.12/2002/11.
45. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 4: The Right to Adequate Housing (Art. 11 (1) of the Covenant), 13 December 1991, E/1992/23.
46. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 11: Plans of Action for Primary Education (Art. 14 of the Covenant), 10 May 1999, E/1992/23.
47. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 13: The Right to Education (Art. 13 of the Covenant), 8 December 1999, E/C.12/1999/10.
48. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 4 (2003): Adolescent Health and Development in the Context of the Convention on the Rights of the Child, 1 July 2003, CRC/GC/2003/4.
49. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 17 (2013) on the right of the child to rest, leisure, play, recreational activities, cultural life and the arts (art. 31), 17 April 2013, CRC/C/GC/17.
50. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 17 (2013) on the right of the child to rest, leisure, play, recreational activities, cultural life and the arts (art. 31), 17 April 2013, CRC/C/GC/17.
51. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 1 (2001), Article 29 (1), The aims of education, 17 April 2001, CRC/GC/2001/1.
52. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 12 (2009): The right of the child to be heard, 20 July 2009, CRC/C/GC/12.
53. UN Committee on the Rights of the Child (CRC), General comment No. 2 (2002): The Role of Independent National Human Rights Institutions in the Promotion and Protection of the Rights of the Child, 15 November 2002, CRC/GC/2002/2.

54. UN General Assembly Resolution (22 December 1992), U.N.Doc. A/47/49 (1992).
55. UN General Assembly Resolution, «Protection of global climate for present and future generations of mankind», U.N.Doc.A/RES/43/53, 6 December 1988.
56. UN General Assembly Resolution, »Protection of Global Climate for present and future generations of Mankind«, (6 December 1988), U.N.Doc.A/Res/43/53 (1988).
57. UN General Assembly, «Human rights and cultural diversity: Resolution adopted by the General Assembly», 15 February 2002, A/RES/56/156.
58. UN High Commissioner on Human Rights (UNHCHR), Annual Report of the United Nations High Commissioner on Human Rights, 15 January 2009, New York.
59. UN Human Rights Committee (HRC), CCPR General Comment No. 6: Article 6 (Right to Life), 30 April 1982.
60. UN, Human Rights Council (HRC), Resolution 7/23, Human Rights and Climate Change, 28 March 2008, United Nations, Geneva.
61. UN, «Division for the Advancement of Women, Woman 2000 and beyond (woman and water)», February 2005, United Nations, New York.
62. UNESCO Universal Declaration of Human Rights for future generation 1994.
63. UNFCCC, «Report of the Conference of the Parties on its nineteenth session Part two: Action taken by the Conference of the Parties at its nineteenth session», Warsaw from 11 to 23 November 2013.
64. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), Rio Declaration, 1992.
65. United Nations Conference on Sustainable Development 2012.
66. United Nations Environment Programme (UNEP), «Human rights and the environment Proceedings of a Geneva Environment Network Roundtable», 2004, Geneva.
67. United Nations Framework Convention on Climate Change 1992.
68. United Nations Framework Convention on Climate Change, «Achievements of the Clean Development Mechanism», Germany , 2018.
69. United Nations General Assembly, «Report of the Secretary-General on Intergenerational solidarity and the needs of future generations» A/68/100, 2013.

70. United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF), Water, sanitation and hygiene education. Children and adolescents leading the way in Tajikistan, UNICEF Headquarters Water, Environment and Sanitation Section Programme Division, August, 2005, New York.
71. United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF), «Water, sanitation and hygiene education for schools», Roundtable meeting, January 24 to 26, 2005.
72. Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights.
73. World Health Organization (WHO) and the United Nations Children's Fund (UNICEF), «Progress on drinking water, sanitation and hygiene», Switzerland, 2017.
74. World Health Organization, «World health report 2002: reducing risks, promoting healthy life», WHO, Geneva.
75. World Health Organization, Monitoring Health for the SDGs, «sustainable development goals», WHO PRESS, France, 2016.

آرا قضایی

1. European Court of Human Rights(ECHR), «Case López Ostra v. Spain», Application No. 16798/90, December 9, 1994. Council of Europe, Strasbourg.
2. Inuit Petition Inter-American Commission On Human Rights To Oppose Climate Change Caused By The United States Of America.
3. Minors oposa et al. V. Secretary of the Environment and Natural Resources Fulgencio Factoran, G.R. No. 10 1083, 30 July 1993. Reprinted in (1994) 33 ILM 173.
4. Teitiota V. Chief Executive of the Ministry of Business Innovation and Employment, NZSC 107 [20 July 2015].

منابع الکترونیک

1. www.19january2017snapshot.epa.gov
2. www.ali-tahmasbi.name.
3. www.archive.epa.gov

4. www.bbc.co.uk
5. www.cbd.int.
6. www.ciel.org.
7. www.climate.nasa.gov
8. www.daneshnameh.roshd.ir
9. www.derechoalaalimentacion.org
10. www.eea.europa.eu
11. www.ejnet.org.
12. www.inuitcircumpolar.com.
13. www.ipcc.ch.
14. www.irimo.ir.
15. www.legislation.govt.nz.
16. www.lemkinhouse.org.
17. www.livescience.com.
18. www.nytimes.com.
19. www.ohchr.org.
20. www.phys.org.
21. www.pmel.noaa.gov
22. www.qz.com
23. www.refworld.org.
24. www.science.org.au.
25. www.scientia.global
26. www.social-school.blogfa.com.
27. www.ucsusa.org.
28. www.un.org.
29. www.unfccc.int.

30. www.unicef.org.
31. www.wealthofthecommons.org.
32. www.yaleclimateconnections.org.

Surname: Vaziri

Name: Mohammad Mahdi

Title: Impact of Climate Change on the Right to a Green Future

Supervisor: Dr. Janet Blake Advisor: Dr. Bagher Ansari

Degree: Master of Science

Subject: Department of Environmental Law

Field: Law

Shahid Beheshti University

Faculty of Law

Date: 2019

Number of pages: 60

Keywords: Climate Change, Green Future, Child Rights, Future Generation

Abstract

The anthropogenic climate change caused by previous and present generations is the biggest global threat of the 21st century. we are able now to shape the future by intervening in the household of nature to a great extent, for millions of years. The purpose of this thesis is to show how climate change and the associated phenomena harm the right to a green future which is beneficial for children and future generations. Various questions concerning the impact of climate change on the right to a green future, and how the present generation is responsible for future generations, raised.

Although International environmental law community responses this treats by shaping different obligations, the right to a green future have Have not received enough legal protection. Some of the obstacles is about International law structures which is based on Principle of sovereignty and also the soft nature of environmental law obligationas. international community introduced legal concepts such as common concern of humankind, common heritage of humankind and common good of humankind that imply the preservation of environment for future generations. But to be realistic international efforts was not enough due to scientific reports of Intergovernmental Panel on Climate Change(IPCC).



Shahid Beheshti University

Faculty of Law

Department of Environmental Law

Master of Laws (LLM) Thesis

Impact of Climate Change on the Right to a Green Future

by

Mohammad Mahdi Vaziri

Supervisor

Dr. Janet Blake

Advisor

Dr. Bagher Ansari

2019